



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

اصول مدیریت ریسک اعتباری

از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری

بانک تسویه بین‌المللی

(سپتامبر ۲۰۰۰)

ترجمه: لیدا رنجبر مطلق

گروه مطالعاتی: بانکی و اعتباری

اردیبهشت ۱۳۸۴

فهرست مطالب

شماره صفحه

۱	I- مقدمه
۵	اصولی برای ارزیابی مدیریت ریسک اعتباری بانکها
۹	II- ایجاد محیطی مناسب برای کنترل ریسک اعتباری
۱۶	III- اقدام تحت یک فرآیند مناسب اعتباردهی
۲۵	IV- حفظ یک روش مناسب مدیریت، ارزیابی و مراقبت از اعتبارات
۲۷	V- حصول اطمینان از وجود کنترل‌های کافی بر ریسک اعتباری
۴۰	VI- نقش بازرسان
۴۳	ضمیمه: علل رایج مشکلات عمده اعتباری

«بسمه تعالی»

اصول مدیریت ریسک اعتباری

I- مقدمه

۱- هرچند موسسات مالی به دلایل متعددی در طول سالها با مشکلات مواجه شده‌اند، اما علت اصلی مشکلات جدی و مهم بانکی کماکان به طور مستقیم به عواملی نظیر استانداردهای ضعیف اعطای اعتبار به وام‌گیرندگان و طرف‌های مقابل، مدیریت ضعیف ریسک پرتفوی، یا کم توجهی به تغییرات اقتصادی یا سایر شرایطی که می‌تواند به وخامت موقعیت اعتباری طرف‌های مقابل بانک منجر گردد، ارتباط می‌یابد. این تجربه در هر دو گروه کشورهای عضو و غیر عضو گروه ۱۰ یکسان می‌باشد.

۲- به زبان ساده، ریسک اعتباری، احتمال قصور وام‌گیرنده یا طرف مقابل بانک نسبت به انجام تعهداتش، طبق شرایط توافق شده، قابل تعریف است. هدف از مدیریت ریسک اعتباری آن است که با حفظ اکسپوژنهای ریسک اعتباری در محدوده‌های قابل قبول، نسبت بازگشت اعتبارات بانکی موزون شده به ریسک حداکثر شود. ضروری است بانک‌ها همانند ریسک اعتباری فردی یا ریسک معاملات، ریسک اعتباری کل پرتفوی خود را مدیریت نمایند. بانک‌ها همچنین باید رابطه میان ریسک اعتباری با سایر ریسک‌ها را نیز در نظر بگیرند. مدیریت کارآی ریسک اعتباری جزئی مهم از یک روش جامع مدیریت ریسک و شرط اساسی موفقیت بلندمدت هر بانک محسوب می‌گردد.

۳- اگرچه منشاءهای دیگر ریسک اعتباری در سراسر فعالیتهای یک بانک وجود دارد که در دفتر بانک و دفتر تجاری و در اقلام بالا و پایین خط ترازنامه منظور می‌گردد، ولی برای اکثر بانکها وامها بزرگترین و بدیهی‌ترین منشاء ایجاد ریسک اعتباری می‌باشند. علاوه بر وامها، بانکها به طور فزاینده‌ای در زمینه ابزارهای مختلف مالی مانند: قبولی‌ها، معاملات بین بانکی، تامین مالی تجاری، معاملات ارز، قراردادهای مالی آتی، سوآپ، اوراق قرضه، سهام عادی، معاملات اختیار، قبول تعهدات و صدور ضمانت‌نامه و تسویه معاملات، با ریسک اعتباری (یا ریسک طرف مقابل) مواجه هستند.

۴- نظر به این که اکسپوژرهای ریسک اعتباری، همچنان به عنوان منشاء اصلی مشکلات بانکهای معتبر جهان باقی مانده است، لذا بانکها و بازرسان آنها باید بتوانند درسهایی مفیدی از تجارت گذشته فراگیرند. همان‌گونه که لازم است بانکها سرمایه کافی را برای جبران ریسک‌هایی که با آن مواجه می‌گردند، در نظر بگیرند باید آگاهی‌های لازم را در مورد ضرورت تشخیص، اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل ریسک اعتباری داشته باشند. کمیته بال به منظور تشویق بازرسان سراسر جهان به ارتقای سطح مدیریت ریسک اعتباری این مقاله را منتشر می‌کند. اگرچه اصول ارائه شده در این گزارش برای فعالیت وام‌دهی از قابلیت کاربردی برخوردار است، اما این اصول باید در مورد تمام فعالیت‌هایی که با ریسک اعتباری مواجه می‌گردند، مورد استفاده قرار گیرند.

۵- رویه‌های مناسبی که در این گزارش ارائه می‌گردد، به ویژه، به حوزه‌های ذیل اشاره دارد:

- ایجاد محیطی مناسب برای کنترل ریسک اعتباری.
- اقدام تحت یک فرآیند مناسب اعتباردهی.
- حفظ یک روش مناسب مدیریت، ارزیابی و مراقبت از اعتبارات.
- حصول اطمینان از وجود کنترل‌های کافی بر ریسک اعتباری.

اگرچه رویه‌های ویژه مدیریت ریسک اعتباری با توجه به نوع و پیچیدگی فعالیت‌های اعتباری، ممکن است در میان بانک‌ها متفاوت باشند، ولی یک برنامه جامع مدیریت ریسک اعتباری هرچهار حوزه فوق را در بر می‌گیرد. این رویه‌ها همچنین بایستی در رابطه با ارزیابی کیفیت دارایی‌ها، کفایت اندوخته‌ها و ذخایر و شفاف‌سازی ریسک اعتباری نیز اعمال شود، که تمامی این موارد در گزارش‌های اخیر منتشره توسط کمیته بال مورد توجه قرار گرفته‌اند.^۱

۶- در حالی که رویکرد انتخابی توسط هر بازرس به عوامل متعددی از جمله روش‌های نظارت حضوری* و غیرحضوری** و درجه به کارگیری آن‌ها در انجام وظایف نظارتی توسط حسابرسان مستقل*** بانک بستگی دارد، تمامی اعضای کمیته بال توافق دارند که اصول مطروحه در این گزارش بایستی برای ارزیابی مدیریت ریسک اعتباری یک بانک مورد استفاده قرار گیرد. انتظارات نظارتی از رویکرد مدیریت ریسک اعتباری که توسط هر بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد باید با حوزه و پیچیدگی‌های فعالیت بانک متناسب باشد. برای بانک‌های کوچکتر یا کمتر پیشرفته، لازم است بازرسان مشخص نمایند که روش اعمال شده برای مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها، برای فعالیتهایشان کفایت می‌کند و در فرآیندهای مدیریت ریسک اعتباری آن‌ها، نظم کافی برای نشان دادن ریسک نسبت به بازده وجود دارد. در بخش‌های II تا VI این گزارش، کمیته اصولی را مقرر نموده که به کمک آن‌ها مسئولین بازرسی بانک‌ها می‌توانند نظام مدیریت ریسک اعتباری یک بانک را مورد ارزیابی قرار دهند. به علاوه ضمیمه این گزارش شامل توضیحات مختصری در مورد برخی مشکلات اعتباری می‌باشد که عموماً توسط بازرسان مشاهده شده است.

^۱ - به ویژه به مقاله‌های زیر رجوع شود:

Sound Practices for Loan Accounting and Disclosure (July ۱۹۹۹)
Best Practices for Credit Risk Disclosure (September ۲۰۰۰)

* - On-Site Supervision.

** - Off-Site Supervision

*** - External Auditor.

۷- یک نمونه خاص تر از ریسک اعتباری، مربوط به فرآیند تسویه معاملات مالی می‌باشد. اگر یک طرف یک معامله تسویه شود، اما طرف دیگر تسویه نشود، ممکن است به اندازه اصل مبلغ معامله خسارت وارد شود. اگر حتی یک طرف فقط در تسویه تاخیر نموده باشد، طرف دیگر ممکن است به دلیل فرصت‌های از دست رفته سرمایه‌گذاری با زیان مواجه گردد. بدین ترتیب، ریسک تسویه (به معنی ریسکی است که به دلیل تکمیل نشدن یا عدم تسویه یک معامله مالی به ترتیبی که انتظار آن می‌رفت، ایجاد می‌شود) شامل اجزایی از ریسک‌های نقدینگی، بازار، عملیاتی، شهرت و نیز ریسک اعتباری است. سطح ریسک با توجه به ترقیبات تسویه مشخص می‌شود. عناصر چنین ترقیباتی که در ایجاد ریسک اعتباری اثرگذارند عبارتند از:

زمان تسعیر ارزی، خاتمه پرداخت / تسویه و نقش واسطه‌ها و اتاق‌های پایپای^۱.

۸- برای اولین بار این گزارش در ژوئیه سال ۱۹۹۹ برای ارائه نظرات مشورتی منتشر گردید. کمیته از نقطه‌نظرات ارسالی بانک‌های مرکزی، مسئولین بازرسی، مجمع بانکی و سایر موسسات سپاسگزاری می‌نماید. با بهره‌گیری از این انتقادات، امکان انتشار ویرایش نهایی از گزارش فراهم گردید.

^۱ - به ویژه به مقاله زیر رجوع شود:

Supervisory Guidance for Managing Settlement Risk in Exchange Transaction
(September ۲۰۰۰)

حاشیه‌نویسی موجود در فهرست کتاب (ضمیمه ۳) شامل لیستی از انتشارات مربوط به ریسک‌های مختلف تسویه می‌باشد.

اصولی برای ارزیابی مدیریت ریسک اعتباری بانکها

الف - ایجاد محیطی مناسب برای کنترل ریسک اعتباری

اصل ۱- هیات مدیره مسئول تصویب و بازنگری دوره‌ای (حداقل سالانه) راهکارها و خط

مشی‌های مهم ریسک اعتباری بانک می‌باشد. این راهکارها باید این مساله را که

بانک تا چه حد می‌تواند ریسکها را تحمل کند و سطح سودآوری مورد انتظار آن

در زمان رویارویی با ریسکهای مختلف اعتباری چه اندازه می‌باشد، نشان دهد.

اصل ۲- مدیریت ارشد بانک مسئولیت اجرای راهکارهای ریسک اعتباری را که توسط هیات

مدیره به تصویب رسیده، برعهده دارد. علاوه بر این، گسترش خط مشی‌ها و

رویه‌ها برای تعیین، ارزیابی، مراقبت و کنترل ریسک اعتباری به عهده مدیریت

ارشد می‌باشد. چنین خط مشی‌ها و رویه‌هایی باید ریسک اعتباری بانک را در

تمامی فعالیت‌هایش، در هر دو سطح اعتبارات فردی و پرتفوی، مشخص کند.

اصل ۳- بانکها باید ریسک اعتباری موجود در تمامی محصولات و فعالیت‌هایشان را

شناسایی و مدیریت نمایند. بانکها باید مطمئن شوند که ریسک محصولات و

فعالیت‌های جدید، قبل از ارائه یا تعهد انجام، به کمک روش‌های مناسب مدیریت

ریسک و کنترل‌های کافی تحت بررسی قرار گرفته و پیش‌تر توسط هیات مدیره یا

کمیته مناسب دیگری به تصویب رسیده است.

ب- اقدام تحت یک فرآیند مناسب اعتباردهی

اصل ۴- اعطای اعتبار بانکها بایستی تحت معیارهای مناسب و تعریف شده، انجام پذیرد.

این معیارها باید اطلاع دقیق از بازار هدف بانک، شناخت کامل از وام‌گیرنده یا

طرف مقابل، هدف از اعتبار و ساختار آن، و منبع بازپرداخت اعتبار را در برگیرد.

اصل ۵- بانک‌ها باید حدود اعتباری کلی برای هر وام‌گیرنده و طرف مقابل و نیز گروه‌های طرف مقابل مرتبط را تعیین نمایند، به نحوی که به کمک یک روش مقایسه‌پذیر و معنی‌دار مجموع انواع مختلف اکسپوزر هم در دفتر بانک و هم دفتر تجاری و در کلیه اقلام بالا و پایین خط ترازنامه، قابل محاسبه باشد.

اصل ۶- بانک‌ها همانند اصلاح، تجدید و تأمین مالی مجدد اعتبارات موجود، باید روش‌های مشخص و شفاف برای تصویب اعتبارات جدید داشته باشند.

اصل ۷- اعطای کلیه اعتبارات باید به طور یکسان و متعارف انجام شود. به ویژه اعتبارات اعطایی به شرکتها و افراد مرتبط، چنان‌که بر مبنای استثنائات مورد تصویب قرار گرفته، باید با دقت خاصی مراقبت شده و اقدامات مناسب دیگر برای کاهش ریسک وام‌دهی‌های غیرمتعارف اتخاذ گردند.

ج- حفظ یک روش مناسب مدیریت، ارزیابی و مراقبت از اعتبارات

اصل ۸- بانک‌ها باید سیستمی برای کنترل مستمر پرتفوی خود که در معرض ریسک‌های مختلف اعتباری است، ایجاد کنند.

اصل ۹- بانک‌ها باید برای مراقبت از وضعیت اعتبارات فردی سیستمی ایجاد کنند، به نحوی که به کمک آن بتوانند کفایت ذخایر و اندوخته‌ها را نیز تعیین نمایند.

اصل ۱۰- در مدیریت ریسک اعتباری، بانک‌ها تشویق می‌شوند که یک سیستم رتبه‌بندی داخلی ریسک را گسترش و مورد استفاده قرار دهند. این سیستم رتبه‌بندی باید با نوع، اندازه و پیچیدگی‌های فعالیت بانک متناسب باشد.

اصل ۱۱- بانکها باید سیستم‌های اطلاعات و روش‌هایی برای تجزیه و تحلیل داشته باشند به نحوی که مدیریت به کمک آنها بتواند ریسک اعتباری موجود در کلیه فعالیت‌های بالا و پایین خط ترازنامه را اندازه‌گیری نماید. سیستم اطلاعات مدیریت باید اطلاعات کافی را در مورد ترکیب پرتفوی اعتباری ارائه نموده و هرگونه ریسک تمرکز را شناسایی نماید.

اصل ۱۲- بانکها باید سیستمی را برای مراقبت از ترکیب کلی و کیفیت پرتفوی اعتباری خود ایجاد کنند.

اصل ۱۳- در زمان ارزیابی اعتبارات فردی و کل پرتفوی اعتباری، بانکها باید احتمال تغییر در شرایط اقتصادی را نیز مدنظر قرار داده و اکسپوژنهای ریسک اعتباری خود را در شرایط بحرانی ارزیابی نمایند.

د- حصول اطمینان از وجود کنترل‌های کافی بر ریسک اعتباری

اصل ۱۴- لازم است بانکها سیستم مستقل و مستمری برای ارزیابی فرآیند مدیریت ریسک اعتباری داشته باشند، به نحوی که نتایج این بازنگری‌ها مستقیماً به هیات مدیره و مدیران ارشد گزارش گردد.

اصل ۱۵- بانکها بایستی اطمینان حاصل کنند که اعطای اعتبار به درستی مدیریت شده و اکسپوژنهای اعتبارات در سطحی است که با استانداردهای احتیاطی و حدود مجاز داخلی هم‌خوانی دارد. بانکها باید سیستم کنترل‌های داخلی را پایه‌ریزی و تقویت نمایند به نحوی که مطمئن شوند هرگونه استثناء نسبت به خط مشی‌ها، روش‌ها و حدود، به موقع به رده مناسب مدیریتی جهت اقدام گزارش می‌شود.

اصل ۱۶- بانک‌ها باید سیستمی برای انجام اقدامات اصلاحی به موقع در مورد اعتباراتی که وضعیت آن‌ها در حال بدتر شدن است، مدیریت اعتبارات مسأله‌دار و سایر موقعیت‌های بحرانی مشابه داشته باشند.

ه- نقش بازرسان

اصل ۱۷- بازرسان باید بانک‌ها را ملزم کنند که به عنوان بخشی از رویکرد کلی به سوی مدیریت ریسک، نظام کارآیی برای تشخیص، ارزیابی، مراقبت و کنترل ریسک اعتباری ایجاد کنند. بازرسان باید ارزیابی مستقلی از راهکارها، خط مشی‌ها، رویه‌ها و عملکرد بانک در ارتباط با فرآیند اعطای اعتبار داشته باشند. علاوه بر این به منظور محدود نمودن اکسپوزر بانک به وام‌گیرندگان فردی یا گروهی از طرف‌های مقابل مرتبط، باید تعیین حدود احتیاطی را مد نظر قرار دهند.

II- ایجاد محیطی مناسب برای ریسک اعتباری

اصل ۱- هیات مدیره مسئول تصویب و بازنگری دوره‌ای (حداقل سالانه) راهکارها و خط

مشی‌های مهم ریسک اعتباری بانک می‌باشد. این راهکارها باید این مساله را که

بانک تا چه حد می‌تواند ریسک‌ها را تحمل کند و سطح سودآوری مورد انتظار آن

در زمان مواجه شدن با ریسک‌های مختلف اعتباری چه اندازه می‌باشد، نشان دهد.

۹- همانند سایر حوزه‌های فعالیت بانک، هیات مدیره^۱ نقش به‌سزایی در زمینه نظارت بر

اعطای اعتبارات و کارکردهای مدیریت ریسک اعتباری به عهده دارد. هر بانک باید

راهکاری برای ریسک اعتباری تدوین کند به نحوی که بتواند اهدافی را که هدایتگر

فعالیت‌های اعتباری بانک می‌باشد، تحقق بخشیده و خط‌مشی‌ها و رویه‌هایی برای انجام

این گونه فعالیت‌ها اتخاذ نماید. همانند خط‌مشی‌های مهم ریسک اعتباری، راهکار ریسک

اعتباری بایستی توسط هیات مدیره تصویب گردیده و به صورت دوره‌ای (حداقل سالانه) مورد

بازنگری قرار گیرد. لازم است هیات مدیره مشخص نماید که این راهکار و خط‌مشی‌ها،

اکثر فعالیت‌های بانک را که در آن‌ها اکسپوزر اعتباری، در برگیرنده ریسک حائز اهمیتی

است، پوشش می‌دهد.

^۱- این مقاله اشاره به یک ساختار مدیریتی دارد که از هیات مدیره و مدیریت ارشد تشکیل شده است. کمیته آگاه است که از نظر چارچوب‌های قانونی و مقرراتی، تفاوت‌های مهمی در وظایف هیات مدیره و مدیریت ارشد بین کشورهای مختلف دنیا وجود دارد. در برخی کشورها، هیات مدیره وظیفه عمده (اگرچه غیر انحصاری) نظارت بر بدنه اجرایی (مدیریت ارشد، مدیریت عامل) را به عهده دارد تا مطمئن گردد آن‌ها وظیفه‌شان را به نحو احسن به انجام می‌رسانند. به همین دلیل، در بعضی موارد، هیات مدیره به عنوان هیات نظارتی شناخته می‌شود. بدین مفهوم که هیات مدیره هیچگونه وظیفه اجرایی به عهده ندارد. در مقایسه، در بعضی کشورها، هیات مدیره وظایف بیشتری را به عهده داشته به نحوی که تنظیم چارچوب کلی مدیریت بانک را نیز متقبل می‌گردد. با اذعان به این تفاوت‌ها، هیات مدیره و مدیریت ارشد فرضی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته، صرفاً دو نوع وظیفه تصمیم‌گیری در داخل بانک را طبقه‌بندی می‌نماید و هیچگونه ارتباطی با ساختار قانونی آن ندارد.

۱۰- این خط مشی باید شامل شرح کاملی از مواضع بانک در خصوص چگونگی اعطای اعتبار براساس نوع (مثلاً تجاری، مصرفی، مستغلات)، بخش اقتصادی، منطقه جغرافیایی، نوع پول، سررسید و سود مورد انتظار باشد. این خط مشی‌ها همچنین می‌تواند شامل بازارهای هدف و آن ویژگی‌های کلی باشد که بانک می‌خواهد در پرتفوی اعتباری خود بدان نائل گردد (شامل سطوح تنوع، درجه خطای قابل اغماض نسبت به تمرکز).

۱۱- راهکار ریسک اعتباری باید برای بانک نسبت به اهداف مربوط به کیفیت اعتبارات، درآمدها و رشد آن شناخت ایجاد کند. هر بانک صرف نظر از اندازه‌اش، در جهت سودآوری فعالیت می‌نماید و در نتیجه باید در برابر هزینه سرمایه‌گذاری‌هایش، برای فعالیت‌های خود ریسک/پاداش قابل قبولی را در نظر بگیرد. هیات مدیره یک بانک باید خط مشی بانک را در مورد انتخاب ریسک‌ها و حداکثر نمودن سودآوری تصویب نماید. هیات مدیره باید به صورت ادواری وضعیت مالی بانک را بازنگری نموده و ضرورت تغییر در راهکار را مشخص کند. هیات مدیره همچنین باید میزان کفایت سطح سرمایه بانک را برای پوشش مخاطراتی که متحمل می‌شود، مشخص نماید.

۱۲- راهکار ریسک اعتباری هر بانک باید تداوم داشته باشد. بنابراین در این راهکار ضروری است که جنبه‌های ادواری اقتصاد و هرگونه تغییرات ناشی از آن در ترکیب و کیفیت کل پرتفوی منظور گردد. اگرچه این راهکار باید به صورت دوره‌ای مورد ارزیابی و اصلاح قرار گیرد، اما باید بتواند در بلندمدت و در چرخه‌های مختلف اقتصاد پایدار بماند.

۱۳- راهکار و خط مشی‌های ریسک اعتباری بایستی به صورت موثری به تمام سازمان بانکی ابلاغ گردد. کلیه کارکنان مربوطه باید به طور شفاف شناخت کاملی از رویکرد بانک در مورد اعطا و مدیریت اعتبار داشته و نسبت به چگونگی رعایت خط مشی‌ها و روش‌های تدوین شده، پاسخگو باشند.

۱۴- هیات مدیره بایستی اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد توانایی کامل اداره فعالیت اعتباری بانک را داشته و این گونه فعالیت‌ها در چارچوب راهکار، خط‌مشی‌ها و درجه خطای قابل اغماض ریسکی قرار دارند، که توسط هیات مدیره به تصویب رسیده است. همچنین هیات مدیره باید به طور منظم (مثلاً حداقل سالانه) یا در چارچوب راهکار ریسک اعتباری و یا در محدوده مصوبات مربوط به خط‌مشی‌های اعتباری، معیارهای کلی اعطای اعتبار (شامل مدت زمان و شرایط) را تصویب کند. به علاوه هیات مدیره باید روشی را تصویب نماید که بانک به کمک آن بتواند وظایف مربوط به اعطای اعتبار (شامل بررسی مستقل نسبت به کارکرد اعطا و مدیریت اعتبار و کل پرتفوی) را سازماندهی نماید.

۱۵- هرچند اعضای هیات مدیره، به ویژه مدیران خارجی، می‌توانند نقش مهمی در ایجاد فعالیت‌های جدید در بانک داشته باشند، اما زمانی که ظرفیتی برای اعطای اعتبار وجود داشته باشد فرآیندهای موجود باید تعیین نمایند که چه مقدار اعتبار و با چه شرایطی باید اعطا شود. به منظور اجتناب از برخورد منافع*، مهم است که هیات مدیره در فرآیند اعطای اعتبار و نظارت بر آن ملاحظات خارج از رویه نداشته باشند.

۱۶- هیات مدیره باید اطمینان حاصل کند که خطی‌های جبرانی بانک در تضاد با راهکار ریسک اعتباری نمی‌باشد. خط‌مشی‌های جبرانی، که نتیجه یک رفتار غیرقابل قبول است، مانند کسب سود در کوتاه مدت در شرایطی که موجبات انحراف از خط‌مشی‌های اعتباری یا تجاوز از حدود مقرر شده را فراهم می‌سازد، نهایتاً موجب تضعیف فرآیندهای اعتباری بانک می‌گردد.

اصل ۲- مدیریت ارشد بانک مسئولیت اجرای راهکارهای ریسک اعتباری را که توسط هیات

مدیره به تصویب رسیده، برعهده دارد. علاوه بر این، گسترش خط‌مشی‌ها و

* - Conflict of interests.

رویه‌ها برای تعیین، ارزیابی، مراقبت و کنترل ریسک اعتباری به عهده مدیریت ارشد می‌باشد. چنین خط مشی‌ها و رویه‌هایی باید ریسک اعتباری بانک را در تمامی فعالیت‌هایش، در هر دو سطح اعتبارات فردی و پرتفوی، مشخص کند.

۱۷- مدیریت ارشد یک بانک مسئول اجرای راهکار ریسک اعتباری است که توسط هیات مدیره به تصویب رسیده است. همچنین اطمینان از انطباق فعالیت‌های اعتباردهی بانک با راهکار تعیین شده، اطمینان از گسترش و اجرای روش‌های مکتوب و اطمینان از شفاف و مناسب بودن مراحل تصویب وام و بازنگری مسئولیتها به عهده مدیریت ارشد می‌باشد. مدیریت ارشد، علاوه بر این باید مطمئن گردد که ارزیابی داخلی مستقلی از عملکرد اعتباردهی و مدیریت بانک به صورت دوره‌ای انجام می‌پذیرد^۱.

۱۸- رکن اصلی بانکداری با کارکرد صحیح، طرح و اجرای خط مشی‌ها و روش‌های مکتوب در رابطه با شناسایی، ارزیابی، مراقبت و کنترل ریسک اعتباری است. خط مشی‌های اعتباری چارچوبی را برای وام‌دهی تعیین و فعالیت‌های اعتباردهی بانک را هدایت می‌نماید. خط مشی‌های اعتباری بایستی موضوعاتی همچون بازارهای هدف، ترکیب پرتفوی، شرایط قیمت‌گذاری و عدم قیمت‌گذاری، ساختار حدود، مقام مسئول تصویب‌کننده وام، نحوه گزارش‌دهی / فرآیند مربوط به موارد استثناء و ... را در برگیرد. این گونه فعالیت‌ها بایستی به روشنی تعریف شده، همسو با رویه‌های احتیاطی بانکی بوده و با اندازه و پیچیدگی‌های فعالیت بانک متناسب باشد. این خط مشی‌ها باید با توجه به عوامل داخلی و خارجی مانند موقعیت بازار بانک، منطقه تجاری، توانایی‌های کارکنان و فن‌آوری طرح‌ریزی و اجرا گردد.

۱- این موضوع ممکن است برای بانک‌های خیلی کوچک مشکل باشد. هرچند لازم است کنترل‌های کافی برای ارتقای تصمیم‌گیری‌های اعتباری به عمل آید.

سیاست‌ها و رویه‌هایی که به طور مناسب گسترش داده شده و اجرا گردند بانک را قادر می‌سازند تا:

- معیارهای صحیح اعتباردهی را حفظ نماید.
- ریسک اعتباری را مراقبت و کنترل کند.
- فرصت‌های جدید کاری را به درستی ارزیابی نماید.
- اعتبارات مساله‌دار را شناسایی و اداره نماید.

۱۹- همان‌گونه که در بندهای ۳۰ و ۳۷ تا ۴۳ ذیل می‌آید، بانک‌ها باید سیاستها و رویه‌های خود را توسعه دهند و آنها را اجرا نمایند تا مطمئن شوند که پرتفوی اعتباری آنها با توجه به بازارهای هدف و راهکار کلی اعتباری از تنوع کافی برخوردار است. این‌گونه سیاستها به ویژه باید اهداف بانک را در زمینه ترکیب پرتفوی، حدود اکسپوزر نسبت به هر طرف مقابل یا گروهی از طرف‌های مقابل مرتبط، صنایع یا بخش‌های اقتصادی خاص، مناطق جغرافیایی و محصولات ویژه، تعیین کنند. بانک‌ها باید مطمئن شوند که حدود اکسپوزرهای داخلی آنها در تطابق با هرگونه حدود یا محدودیت‌های احتیاطی است که توسط بازرسان بانکی تعیین شده است.

۲۰- به منظور کارآمد بودن، سیاستهای اعتباری باید به کلیه بخش‌های سازمان ابلاغ گردیده، به کمک روش‌های مناسب اجرا شده و جهت منظور نمودن هرگونه تغییر در وضعیت داخلی و خارجی بانک به صورت دوره‌ای مورد مراقبت و بازنگری قرار گیرد. هر جا که مناسب باشد این سیاست باید بر مبنای تلفیقی و در سطح هر شرکت وابسته اعمال گردد. به علاوه، این سیاستها بایستی دو وظیفه مهم بازنگری اعتبارات فردی و اطمینان از وجود تنوع مناسب در سطح پرتفوی اعتباری را به صورت یکسان مورد توجه قرار دهد.

۲۱- زمانی که بانک‌ها بخواهند در سطح بین‌المللی اعطای اعتبار نمایند، علاوه بر ریسک استاندارد اعتباری باید ریسک مربوط به شرایط کشور وام‌گیرنده یا طرف مقابل خارجی را نیز به عهده گیرند. ریسک کشوری یا حاکمیتی شامل طیف وسیعی از ریسک‌هایی است که ناشی از وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور خارجی می‌باشد و می‌تواند پیامدهای بالقوه‌ای بر بدهی و سهام سرمایه‌گذاری شده خارجیان آن کشور داشته باشد. ریسک انتقال بالاخص متوجه وام‌گیرنده‌ای است که می‌خواهد برای پرداخت بدهی یا سایر الزامات قرار داد برون‌مرزی خود، ارز تهیه نماید. در تمامی معاملات بین‌المللی ضروری است که بانک‌ها به جهانی بودن بازارهای مالی، امکان سرریز تاثیرات از یک کشور به کشور دیگر یا همه‌گیر شدن اثرات در کل یک منطقه توجه داشته باشند.

۲۲- بنابراین، بانک‌هایی که می‌خواهند در سطح بین‌المللی اعطای اعتبار نمایند، برای فعالیت‌های وام‌دهی و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی خود، باید سیاست‌گذاری‌ها و روش‌هایی کافی برای تشخیص، ارزیابی، مراقبت و کنترل ریسک کشوری و ریسک انتقال داشته باشند. به هنگام نظارت بر عوامل ریسک کشوری، باید این موارد در نظر گرفته شود:

- احتمال قصور در انجام تعهد طرف‌های مقابل بخش خصوصی خارجی به واسطه مشکلات ایجاد شده در وضعیت اقتصادی آن کشور.
- قابلیت اجرایی قراردادهای وام و زمان‌بندی و امکان به رسمیت شناختن وثایق تحت چارچوب قانونی ملی.

این مسئولیت، اغلب کار یک گروه تخصصی است که با این موضوعات خاص آشنایی دارد.

اصل ۳- بانک‌ها باید ریسک اعتباری موجود در تمامی محصولات و فعالیت‌هایشان را شناسایی و مدیریت نمایند. بانک‌ها باید مطمئن شوند که ریسک محصولات و فعالیت‌های جدید، قبل از ارائه یا تعهد انجام، به کمک روش‌های مناسب مدیریت ریسک و کنترل‌های کافی تحت بررسی قرار گرفته و پیش‌تر توسط هیات مدیره یا کمیته مناسب دیگری به تصویب رسیده است.

۲۳- یک اصل اساسی در فرآیند کارآی مدیریت ریسک اعتباری، مشخص نمودن و تجزیه و تحلیل ریسک‌های موجود و بالقوه‌ای است که در هر محصول یا فعالیتی نهفته است. در نتیجه، این موضوع از اهمیت برخوردار می‌باشد که بانک‌ها بتوانند در مورد محصولات پیشنهادی یا فعالیت‌هایی که بدان مبادرت می‌ورزند، ریسک اعتباری موجود را شناسایی نمایند. چنین شناختی را می‌توان به کمک یک بازنگری دقیق نسبت به مشخصه‌های موجود و بالقوه ریسک اعتباری آن محصول یا فعالیت حاصل نمود.

۲۴- بانک‌ها باید شناخت کاملی از ریسک‌های اعتباری موجود در فعالیت پیچیده اعتبار دهی خود داشته باشند (به عنوان مثال، اعطای وام به بخش‌های خاصی از صنعت، تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار*، معاملات اختیاری ظهرنویسی‌شده مشتریان**، ابزارهای مشتقه، اسناد بدهی مرتبط***). این موضوع به ویژه از آن نظر مهم است که ریسک‌های اعتباری مربوطه، اگرچه برای بانک جدید نیست اما ممکن است از وضوح کمتری برخوردار بوده و در مقایسه با ریسک فعالیت‌های اعتباردهی به صورت سنتی نیازمند تجزیه و تحلیل بیشتری باشند. درخصوص فعالیت‌های پیچیده اعتباردهی نیز اگرچه لازم است که رویه‌ها و کنترل‌هایی متناسب با پیچیدگی آن‌ها طراحی گردد، اما هنوز هم اصول اساسی مدیریت ریسک اعتباری در مورد آن‌ها قابل اجرا می‌باشد.

۲۵- ریسک‌های جدید مستلزم برنامه‌ریزی و نظارت دقیق می‌باشند تا بانک مطمئن گردد که این ریسک‌ها به طور مناسب شناسایی و مدیریت می‌شوند. ضروری است بانک‌ها اطمینان حاصل کنند که ریسک محصولات و فعالیت‌های جدید پیش از ارائه یا تعهد انجام به کمک روش‌ها و کنترل‌های مناسب شناسایی می‌شود. هر فعالیت جدید و مهم قبل از اجرا، باید توسط هیات مدیره یا کمیته مسئول و مناسب دیگری مورد تصویب قرار گیرد.

* - Securitization.

** - Customer written options

*** - Credit - linked notes.

۲۶- در هر فعالیتی که درگیر ریسک اعتباری وام‌گیرنده یا طرف مقابل می‌گردد، چه جدید باشد و چه از قبل تصویب شده باشد، ساده باشد یا پیچیده، مهم است که هیات مدیره افرادی را به این سمت‌ها بگمارد که ضمن برخورداری از کفایت لازم، توانایی هدایت این فعالیت‌ها را بالاترین استاندارد و همسو با خط مشی‌ها و رویه‌های بانک داشته باشند.

III- اقدام تحت یک فرآیند مناسب اعتباردهی

اصل ۴- اعطای اعتبار بانک‌ها بایستی تحت معیارهای مناسب و تعریف شده، انجام پذیرد.

این معیارها باید اطلاع دقیق از بازار هدف بانک، شناخت کامل از وام‌گیرنده یا طرف مقابل، هدف از اعتبار و ساختار آن، و منبع بازپرداخت اعتبار را در برگیرد.

۲۷- تعیین معیار اعتباردهی مناسب که به خوبی تعریف شده باشد، یک شرط اساسی برای تصویب اعتبارات با روشی درست و سالم است. این معیار بایستی موارد ذیل را در برگیرد:

• چه کسانی واجد شرایط دریافت اعتبار و تا چه مبلغ می‌باشند؟

• چه نوع اعتباراتی موجود است؟

• اعتبارات تحت چه شرایطی باید اعطا گردد؟

۲۸- بانک‌ها باید اطلاعات کافی دریافت کنند تا براساس آن بتوانند ارزیابی جامعی از وضعیت واقعی ریسک وام‌گیرنده یا طرف مقابل به عمل آورند. بسته به نوع اکسپوژر اعتباری و ماهیت رابطه اعتباری، عواملی که در زمان تصویب اعتبارات بایستی در نظر گرفته شده و نسبت به آن‌ها مستندسازی انجام شود، عبارتند از:

• هدف از دریافت اعتبار و منبع بازپرداخت؛

• وضعیت فعلی ریسک (شامل ماهیت و میزان کل ریسک‌ها) وام‌گیرنده یا طرف

مقابل و وثایق و حساسیت آن‌ها در برابر تحولات اقتصادی یا بازار؛

• سابقه وام‌گیرنده و توانایی فعلی او برای بازپرداخت وام، براساس روند وضعیت

مالی و پیش‌بینی‌های گردش وجوه نقد، تحت سناریوهای مختلف؛

• در مورد تخصیص اعتبار به بخش بازرگانی، تخصیص‌کاری وام‌گیرنده، وضعیت

بخش اقتصادی و موقعیت او در این بخش؛

• مدت و شرایط پیشنهادی اعتبار، به انضمام تنظیم موافقت‌نامه‌ای جهت محدود

نمودن تغییرات آتی ریسک وام‌گیرنده؛

• در صورت امکان، بررسی کفایت و ضمانت اجرایی وثایق و ضمانت‌نامه‌ها،

براساس سناریوهای مختلف؛

به علاوه در زمان موافقت با وام‌گیرندگان یا طرف‌های مقابل برای اولین بار،

درست‌کاری و شهرت وام‌گیرنده یا طرف مقابل و همچنین صلاحیت قانونی آن‌ها

برای تعهد بدهی‌ها، باید در نظر گرفته شود.

هنگامی که بانک بخواهد ضوابطی برای اعتباردهی تعیین کند، باید اطمینان داشته باشد

که اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری صحیح اعتباری در اختیار دارد. همچنین این اطلاعات

می‌تواند به عنوان مبنایی برای رتبه‌بندی اعتبار در سیستم رتبه‌بندی داخلی بانک

محسوب شود.

۲۹- بانک‌ها باید بدانند که آن‌ها به چه کسانی اعتبار می‌دهند. بر این اساس پیش از ورود به هرگونه

رابطه اعتباری جدید باید شناخت کاملی از وام‌گیرنده یا طرف‌های مقابل داشته و مطمئن باشند با

افراد یا سازمانی سر و کار دارند که از شهرت و اعتبار خوبی برخوردار می‌باشند. به ویژه بانک‌ها

باید سیاست‌های خاصی اتخاذ نمایند تا وارد مشارکت با افرادی که درگیر فعالیت‌های

کلاهبرداری و یا سایر فعالیت‌های جنایی می‌باشند، نگردند. از راه‌های متعددی می‌توان

به این منظور نائل شد، مثلاً درخواست ارائه معرفی‌نامه از طرف گروه‌های شناخته شده،

دسترسی به موسسات ثبت اعتبار، آشنایی با مدیران شرکت و کنترل وضعیت مالی

معرفی‌های آنان. هرچند یک بانک نباید به صرف شناخت از وام‌گیرنده یا طرف مقابل یا

اشتهار خوب وی اقدام به اعطای اعتبار نماید.

۳۰- در بررسی اعتبارات، بانکها باید روش‌هایی برای شناسایی موقعیت‌هایی داشته باشند که در آنجا مناسب است گروهی از بدهکاران را به عنوان طرف‌های مقابل مرتبط و در نتیجه به عنوان یک بدهکار فردی منظور نمایند. این موارد شامل محاسبه کل اکسپوژن‌های گروهی از حسابها، اعم از شرکتی و غیرشرکتی است، که به یکدیگر وابستگی‌های مالی دارند، مثلاً در جایی که آنها مالکیت مشترک یا کنترل و یا وابستگی‌های قوی دارند. (برای مثال مدیریت مشترک، وابستگی‌های خانوادگی^۱). علاوه بر این، بانکها باید رویه‌هایی اتخاذ نمایند تا بتوانند مجموع اکسپوژن‌های هر یک از مشتریان خود را در کلیه فعالیت‌هایش محاسبه نمایند.

۳۱- بسیاری از بانکها اقدام به مشارکت در اعطای وام‌های سندیکایی یا کنسرسیومی می‌نمایند. برخی موسسات اعتماد بی‌موردی به تجزیه و تحلیل‌هایی دارند که توسط مسئول بیمه یا مسئول رتبه‌بندی اعتباری وام‌بازرگانی (خارج از بانک) انجام شده است. کلیه بانک‌هایی که می‌خواهند در اعطای وام سندیکایی مشارکت نمایند لازم است که هر بانک، به سهم خود در این مورد بررسی‌های لازم را انجام دهد، این کار شامل تجزیه و تحلیل ریسک اعتباری به صورت مستقل و بررسی شرایط وام سندیکایی پیش از ورود به مشارکت در آن می‌باشد. همانند وام‌هایی که منابع آن مستقیماً توسط یک بانک تامین می‌شود، هر بانک باید ریسک و بازده وام‌های سندیکایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۳۲- اعطای وام‌ها به همان اندازه که می‌تواند سودآور باشد ممکن است بانک را درگیر مجموعه‌ای از ریسک‌ها کند. همان‌گونه که بانک‌ها موضوع سودآوری کلی را مورد توجه

۱- طرف‌های مقابل مرتبط می‌تواند یک گروه از شرکت‌هایی باشد که از طریق مالکیت مشترک، مدیریت، امور تحقیق و توسعه، بازاریابی و یا هر نوع ترکیبی از این موارد با یکدیگر وابستگی مالی دارند. شناسایی گروه‌های مقابل مرتبط نیازمند تجزیه و تحلیل دقیقی از تاثیر این عوامل بر وابستگی مالی گروه‌های دیگر می‌باشد.

قرار می‌دهند باید در مورد هر اعتبار، رابطه میان ریسک و بازده را نیز ارزیابی نمایند. هنگام بررسی نسبت به امکان اعطای وام و شرایط مربوطه، لازم است که بانک‌ها با ضابطه‌مند نمودن شرایط قیمت‌گذاری و عدم قیمت‌گذاری (به عنوان مثال: وثایق، قراردادهای مشروط، غیره) به بالاترین حد ممکن ریسک را در برابر بازده مورد انتظار ارزیابی نمایند.

هنگام گمانه‌زنی ریسک‌ها، بانک‌ها باید کلیه سناریوهای منفی محتمل و تأثیرات بالقوه آن را بر وضعیت مالی وام‌گیرندگان یا طرف‌های مقابل مدنظر قرار دهند. یک مشکل رایج میان بانک‌ها آن است که تمایلی ندارند تا یک اعتبار یا مجموع اعتبارات را به صورت مناسب قیمت‌گذاری نمایند و لذا اقدامات جبرانی کافی برای مقابله با ریسک‌هایی که با آن مواجه می‌شوند در نظر نمی‌گیرند.

۳۳- قبل از اعطای هرگونه اعتبار بانک‌ها بایستی به ضرورت ذخیره‌گیری برای زیان‌هایی که از قبل مشخص یا پیش‌بینی شده و نگهداری سرمایه کافی برای جبران زیان‌های غیر منتظره توجه نمایند. همان‌گونه که بانک‌ها در فرآیند مدیریت ریسک کل پرتفوی خود این عوامل را در نظر دارند، باید در زمان تصمیم‌گیری در خصوص هرگونه اعطای اعتبار نیز این موارد را رعایت نمایند^۱.

۳۴- هرچند بانک‌ها می‌توانند از ترکیب معامله، وثایق و تضمین‌ها به عنوان وسیله‌ای برای کاهش ریسک‌ها (ریسک‌های آشکار و پنهان) در هر اعتبار فردی استفاده نمایند، اما در وهله اول بانک‌ها باید براساس قدرت بازپرداخت وام‌گیرنده با او وارد معامله شوند.

۱- یک راهنمایی در مورد طبقه‌بندی وام‌ها و ذخیره‌گیری در مقاله زیر ارائه شده است:
Sound Practices for Loan Accounting and Disclosure (July ۱۹۹۹)

وثایق نه می‌توانند جایگزین ارزیابی کامل و جامع وام‌گیرنده گردند و نه می‌توانند کاستی‌های مربوط به اطلاعات را جبران کنند. باید اذعان نمود که هرگونه اعمال فشار در امور اعتباری (به عنوان مثال ضبط یا دعوای حقوقی) می‌تواند منجر به حذف حاشیه سود معاملات گردد. به علاوه بانک‌ها باید توجه نمایند همان عواملی که ممکن است باعث عدم تحقق بازیافت وام گردند، می‌توانند باعث افت ارزش وثایق نیز شوند. بانک‌ها باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که شرایط پذیرش انواع مختلف وثایق را دربرگیرد، همچنین رویه‌هایی برای ارزیابی مستمر این گونه وثایق داشته و فرآیندی ایجاد کنند که به موجب آن مطمئن گردند وثایق قابل تحصیل بوده یا از ضمانت اجرایی برخوردارند. با در نظر گرفتن تضمین‌ها، بانک‌ها باید سطح پوشش (بیمه) مورد نیاز را با توجه به کیفیت اعتبارات و صلاحیت قانونی ضامن ارزیابی نمایند. در زمان ایجاد تعهد، بانک‌ها باید در مورد حمایت ضمنی از طرف اشخاص ثالث مانند دولت جانب احتیاط را رعایت نمایند.

۳۵- یک روش مهم برای کاهش ریسک اعتباری به ویژه در معاملات بین بانک‌ها، قراردادهای خالص کردن (تعهدات) می‌باشد. به منظور کاهش واقعی ریسک، این گونه قراردادها باید بدون نقص و کامل بوده و قابلیت اجرایی قانونی داشته باشد.^۱

۳۶- زمانی که برخورد منافع یا احتمال آن در یک بانک وجود داشته باشد، بایستی قراردادهای داخلی محرمانه‌های (مثل "دیوارچین") تنظیم شود تا بانک مطمئن شود که برای تهیه اطلاعات مربوط از وام‌گیرنده با هیچ گونه ممانعتی مواجه نمی‌باشد.

^۱ - یک راهنما در مورد قرار دادهای خالص کردن در مقاله زیر ارائه شده است:
Consultative Paper on on-balance sheet netting (April ۱۹۹۸)

اصل ۵- بانک‌ها باید حدود اعتباری کلی برای هر وام‌گیرنده و طرف مقابل و نیز گروه‌های

طرف مقابل مرتبط را تعیین نمایند، به نحوی که به کمک یک روش مقایسه‌پذیر و

معنی‌دار مجموع انواع مختلف اکسپوزر هم در دفتر بانک و هم دفتر تجاری و در

کلیه اقلام بالا و پایین خط ترازنامه، قابل محاسبه باشد.

۳۷- یک جزء مهم از مدیریت ریسک اعتباری، تعیین حدود اکسپوزر برای طرف‌های مقابل فردی یا

گروهی از طرف‌های مقابل مرتبط می‌باشد. غالباً چنین حدودی تا اندازه‌ای براساس رتبه‌ای

(مطابق با رتبه‌بندی داخلی ریسک) که به وام‌گیرنده یا طرف مقابل اختصاص یافته تعیین

می‌گردد، بدین ترتیب که طرف‌های مقابلی که از رتبه بالاتری برخوردارند امکان دریافت حدود

بالاتری را دارند. این حدود هم‌چنین می‌تواند براساس صنعت یا بخش اقتصادی خاص، مناطق

جغرافیایی و محصولات خاص تعیین گردد.

۳۸- تعیین حدود اکسپوزر در مورد کلیه حوزه‌های فعالیت بانک که درگیر ریسک اعتباری

می‌گردد، ضرورت دارد. به کمک این حدود بانک مطمئن می‌گردد که فعالیت‌های

اعتباری‌اش از تنوع کافی برخوردار است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، بیشتر

اکسپوزرهای اعتباری که برخی از بانک‌ها با آن مواجه هستند از فعالیت‌ها و ابزارهای

موجود در دفتر تجاری و اقلام پایین خط ترازنامه ناشی می‌گردد. تعیین حدود چنین

معاملاتی نقش اثربخشی در مدیریت ریسک کلی اعتباری یا ریسک طرف مقابل یک

بانک خواهد داشت. لذا به منظور کارایی هرچه بیشتر، این حدود باید به صورت کلی و نه

براساس تقاضای مشتری تعیین گردد.

۳۹- پیش از تعیین هرگونه حدود معنادار، تعیین حد بالای کلیه فعالیت‌ها به صورت یکپارچه و با تعیین

حداکثر اکسپوزر نسبت به یک گروه از طرف‌های مقابل، ضروری است که به کمک یک معیار

مقایسه‌پذیر، احتمال وجود اکسپوزر آتی را در مورد کلیه فعالیت‌های مختلف بانک (اعم از

بالا و پایین خط ترازنامه) بررسی نمود.

۴۰- بانک‌ها پیش از تعیین هرگونه حدود کلی و فرآیند مراقبت، ضروری است که نتایج "آزمون بحران" را مدنظر قرار دهند. در این گونه آزمون‌های بحران لازم است که چرخه‌های اقتصادی، نرخ بهره و سایر نوسانات بازار و همچنین وضعیت نقدینگی مدنظر قرار گیرد.

۴۱- حدود اعتباری تعیین شده توسط بانک باید معرف و منعکس کننده ریسک وضعیت نقدینگی کوتاه مدت طرف مقابل باشد، چنانچه وی نتواند به تعهداتش عمل نماید.^۱ زمانی که یک بانک چندین معامله با یک طرف مقابل داشته باشد، با توجه به تاریخ سررسید محاسبه شده، احتمال تغییر اکسپوژر بالقوه بانک به این طرف مقابل وجود دارد. لذا احتمال وجود اکسپوژر در آینده باید با توجه به افق‌های زمانی متعدد محاسبه شود. در هر اکسپوژر غیر مطمئن در یک سناریوی مربوط به وضعیت نقدینگی، حدود بایستی اعمال گردد.

اصل ۶- بانک‌ها همانند اصلاح، تجدید و تأمین مالی مجدد اعتبارات موجود، باید روش‌های

مشخص و شفاف برای تصویب اعتبارات جدید داشته باشند.

۴۲- بسیاری از افراد یک بانک می‌توانند درگیر فرآیند اعتباردهی شوند. این افراد می‌توانند مسئولین تشکیل پرونده، مسئولین تجزیه و تحلیل اعتباری و یا مسئولین تصویب اعتبارات باشند. علاوه بر این، یک طرف مقابل برای دریافت اعتبار می‌تواند به بخش‌های مختلف یک بانک مراجعه کند. بانک‌ها می‌توانند به روش‌های متفاوتی تقویض اختیار نمایند، اما با هماهنگ نمودن تلاش افراد مختلف، باید این اطمینان حاصل شود که در فرآیند اعطای اعتبار تصمیمات اعتباری به نحو شایسته‌ای اتخاذ می‌گردد.

۱- به عنوان یک راهنمایی به مقاله‌های زیر رجوع شود:

Bank's Interactions with Highly Leveraged Institutions, Sound Practices for Bank's Interactions with Highly Leveraged Institutions (January ۱۹۹۹)

۴۳- به منظور حفظ پرتفوی اعتباری مناسب و بدون نقص، یک بانک باید چارچوبی برای ارزیابی و تصویب اعتبارات داشته باشد. تصویب اعتبارات باید هماهنگ با دستورالعمل‌های مکتوب بانک بوده و اعطای اعتبارات توسط رده مناسب مدیریتی انجام پذیرد. در بانک باید مستندات حسابرسی وجود داشته باشد که نشان دهد آیا فرآیند تصویب اعتبار رعایت شده است و چه فرد (یا افرادی) و / یا چه کمیته‌ای (یا کمیته‌هایی) مسئولیت تهیه اطلاعات و اتخاذ تصمیم را به عهده داشته‌اند. معمولاً تشکیل یک گروه از متخصصین اعتباری که بتوانند در رابطه با محصولات مهم، انواع مختلف تسهیلات اعتباری و بخش‌های صنعتی و جغرافیایی اقدام به تجزیه و تحلیل و تصویب اعتبار نمایند، برای بانک مفید فایده خواهد بود. بانک‌ها باید روی افرادی که مسئولیت تصمیم‌گیری اعتباری را به عهده دارند به قدر کافی سرمایه‌گذاری نمایند تا تصمیم‌گیری‌های اعتباری مناسب، بدون نقص و همسو با راهکار اعتباری بوده و به زمان اقتصادی و فشارهای ساختاری نایل گردد.

۴۴- هر طرح اعتباری پیشنهادی برای دریافت به تناسب اندازه و پیچیدگی آن معامله، باید توسط یک کارشناس اعتباری قابل و متخصص مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یک فرآیند کارآی ارزیابی، مستلزم برخورداری از حداقل اطلاعات مورد نیازی است که براساس آن امکان تجزیه و تحلیل طرح میسر باشد. باید خط مشی‌هایی اتخاذ گردد که نشان دهد چه اطلاعات و مستندسازی‌هایی برای تصویب اعتبارات جدید، تجدید اعتبارات موجود و / یا تغییر در شرایط اعتباراتی که قبلاً به تصویب رسیده است، مورد نیاز می‌باشد. اطلاعات دریافتی مبنایی برای هر ارزیابی یا رتبه‌بندی داخلی اعتبار بوده و دقت و کفایت آن برای مدیریت از آن نظر اهمیت دارد که بتواند براساس آن‌ها تصمیمات مناسبی را در مورد تصویب اعتبارات اتخاذ نماید.

۴۵- بانک‌ها باید گروهی از کارشناسان را استخدام نمایند که از تجربه، شناخت و پیشینه انجام قضاوت‌های محتاطانه در مورد ارزیابی، تصویب و مدیریت ریسک‌های اعتباری برخوردار می‌باشند. فرآیند اعطای اعتبار در یک بانک باید برای تصمیمات اتخاذ شده پاسخگو بوده و مشخص نماید که چه کسی از اختیار تصویب اعتبارات یا تغییر در شرایط آن‌ها برخوردار می‌باشد. به عنوان مثال، بانک‌ها با توجه به اندازه و نوع فعالیت‌های اعتباری‌شان، می‌توانند از ترکیبی از امضاهای یک نفره، دو نفره، یا مشترک و یا یک گروه یا کمیته مسئول تصویب اعتبار استفاده نمایند. تفویض اختیارات تصویب وام به هر فرد باید متناسب با تخصص افراد مربوطه باشد.

اصل ۷- اعطای کلیه اعتبارات باید به طور یکسان و متعارف انجام شود. به ویژه اعتبارات

اعطایی به شرکتها و افراد مرتبط، چنان‌که بر مبنای استثنائات مورد تصویب قرار گرفته، باید با دقت خاصی مراقبت شده و اقدامات مناسب دیگری برای کاهش ریسک وام‌دهی‌های غیرمتعارف اتخاذ گردد.

۴۶- اعطای اعتبارات باید تابع معیارها و فرآیندهایی باشد که در بالا تشریح گردید، این معیارها سیستمی را برای کنترل و تعادل ایجاد می‌کند که موجب ارتقای تصمیم‌گیری‌های مناسب اعتباری می‌گردد. بنابراین مدیران، مدیریت ارشد و سایر اشخاص متنفذ (مانند سهامداران) نباید در صدد برآیند فرآیندهای اعتباردهی و مراقبت بانک را نادیده گیرند.

۴۷- یکی از موقعیت‌هایی که می‌تواند سبب سوء استفاده گردد، اعطای اعتبار به صورت غیر متعارف و به گروه‌های مرتبط اعم از شرکتها و اشخاص است^۱. لذا مهم است که اعطای

۱- گروه‌های مرتبط می‌تواند شامل شرکت‌های تابعه یا وابسته، سهامداران عمده، مدیران و مدیریت ارشد، منافع مستقیم و مرتبط آن‌ها و یا گروه‌هایی باشد که یا بانک بر آن‌ها یا آن‌ها بر بانک اعمال کنترل می‌نماید.

اعتبار به این گروهها به طور متعارف انجام شده و بر مبلغ اعتبار اعطایی نیز به صورت مناسب تحت مراقبت قرار گیرد. چنانچه شرایط اعتبارات اعطایی به وام‌گیرندگان مرتبط نسبت به شرایط اعتبارات اعطایی به افراد غیرمرتبط (در موقعیت‌های یکسان)، از مطلوبیت بیشتری برخوردار نباشد با اعمال حدود روی این گونه اعتبارات، به سادگی می‌توان چنین کنترل‌هایی را اعمال نمود. روش دیگر کنترل، افشای عمومی شرایط وام‌دهی به گروه‌های مرتبط است. معیارهای اعتباردهی در یک بانک نباید به خاطر گروه یا افراد مرتبط دستخوش تغییر گردد.

۴۸- معاملات مادی با گروه‌های مرتبط باید با تصویب هیات مدیره انجام شود (به جز اعضای از هیات مدیره که با این گروه دارای منافع مشترک هستند) و در شرایط خاص (به عنوان مثال یک وام کلان به یک سهامدار عمده) به مسئولین نظارت بانکی گزارش گردد.

IV- حفظ یک روش مناسب مدیریت، ارزیابی و مراقبت از اعتبارات

اصل ۸- بانک‌ها باید سیستمی برای کنترل مستمر پرتفوی خود که در معرض ریسک‌های مختلف اعتباری است، ایجاد کنند.

۴۹- اداره امور اعتباری، یک جزء اساسی برای حفظ ایمنی و سلامت یک بانک محسوب می‌گردد. زمانی که وامی داده می‌شود، جزو مسئولیت‌های بخش بازرگانی است که اغلب به همراهی یک گروه پشتیبانی اداره امور اعتباری، اطمینان حاصل نماید که فرآیند وام‌دهی به نحو مناسبی انجام می‌شود. این مسئولیت شامل موارد ذیل می‌گردد:

- به روز نگهداری پرونده‌های اعتباری
- کسب اطلاعات جاری در مورد مسائل مالی
- بازیابی اعتبارات و تهیه مدارک مختلف مانند قراردادهای وام

۵۰- با توجه به طیف وسیع مسئولیت‌های بخش اعطای اعتبار، ساختار سازمانی آن با اندازه و پیچیدگی‌های فعالیت بانک تغییر می‌نماید. در بانک‌های بزرگتر مسئولیت قسمت‌های گوناگون اداره امور اعتبارات معمولاً به عهده بخش‌های مختلف واگذار می‌گردد. در بانک‌های کوچکتر تعداد محدودی از افراد ممکن است به صورت هم‌زمان چندین نوع وظیفه مختلف را انجام دهند. زمانی که افراد وظایف حساسی مانند نگهداری اطلاعات مهم، حواله نمودن وجوه و یا وارد کردن اطلاعات به کامپیوتر را به عهده دارند، بایستی به مدیران خود گزارش دهند که چه کسانی عهده‌دار مسئولیتی در مورد مراحل تشکیل پرونده و تصویب اعتبارات نمی‌باشند.

۵۱- هنگام گسترش حوزه‌های اداره امور اعتباری، بانک‌ها بایستی نسبت به موارد ذیل اطمینان حاصل نمایند:

- کار آیی و اثربخشی عملیات اجرایی اعطای اعتبار، شامل مراقبت از مدارک و مستندات، الزامات قرارداد، موافقت‌نامه‌های قانونی، وثایق و غیره.
- دقیق و به موقع بودن اطلاعاتی که برای سیستم‌های اطلاعات مدیریت تهیه می‌شود.
- تفکیک مناسب وظایف.
- کافی بودن میزان کنترل بر نحوه عملکرد اداره پشتیبانی (Back Office).
- مطابقت داشتن فعالیت‌های اعتباری با خط مشی‌ها و رویه‌های تدوین شده توسط مدیریت و همچنین با مقررات و قوانین لازم‌الاجرا.

۵۲- برای این که اجزاء مختلف اداره امور اعتباری به نحو شایسته‌ای انجام وظیفه نمایند، مدیریت ارشد باید نشان دهد که متوجه اهمیت موضوع مراقبت و کنترل بر ریسک اعتباری می‌باشد.

۵۳- پرونده‌های اعتباری باید شامل کلیه اطلاعات مورد نیاز باشد به نحوی که براساس آن‌ها بتوان از وضعیت جاری مالی وام‌گیرنده یا طرف مقابل اطلاع حاصل نمود. همچنین پرونده‌های مذکور باید حاوی دلایل اتخاذ تصمیمات و پیشنهادیه اعتبار باشد. به عنوان مثال، پرونده‌های اعتباری باید شامل حسابهای مالی جاری، تجزیه و تحلیل مالی و مدارک مربوط به رتبه‌بندی داخلی، توافق‌نامه‌های داخلی، معرفی‌نامه‌ها و ارزیابی‌ها باشد. بخش بازرگری وام باید مشخص کند که پرونده‌های اعتباری کامل بوده و مدارک لازم مربوط به تصویب وام و یا سایر اسناد مورد نیاز دریافت گردیده‌اند.

اصل ۹- بانک‌ها باید برای مراقبت از وضعیت اعتبارات فردی سیستمی ایجاد کنند، به نحوی

که به کمک آن بتوانند کفایت ذخایر و اندوخته‌ها را نیز تعیین نمایند.

۵۴- به منظور مراقبت از وضعیت وام‌های اعطایی به اشخاص و متعهدین انفرادی موجود در پرتفوی‌های مختلف، لازم است بانک‌ها رویه‌های جامع و سیستم‌های اطلاعاتی خود را گسترش دهند. این رویه‌ها باید معیارهایی را تعریف نمایند که به کمک آن‌ها بتوان اعتبارات و یا سایر عملیات بالقوه مسالهدار را شناسایی و گزارش نمود تا اطمینان حاصل شود که این گونه اعتبارات به طور متناوب تحت مراقبت، کنترل و اقدامات اصلاحی ممکن، طبقه‌بندی و / یا ذخیره‌گیری قرار دارند!

۵۵- یک سیستم کارآی مراقبت از وام‌های اعطایی شامل معیارهایی است تا:

• اطمینان حاصل کند که بانک به وضعیت جاری مالی وام‌گیرنده یا طرف مقابل

آگاه است.

۱- به پانوش ۶ رجوع شود.

- بر رعایت مفاد قراردادهای موجود مراقبت نماید.
- در صورت قابل اجرا بودن، میزان پوشش وثایق را با توجه به وضعیت فعلی متعهد، ارزیابی نماید.
- به موقع، هرگونه قصور در پرداخت قراردادی را شناسایی نموده و اعتبارات بالقوه مساله‌دار را طبقه‌بندی نماید.
- در اسرع وقت، مسائل برای مدیریت اصلاحی ارسال گردد.

۵۶- افراد مشخصی باید مسئولیت نظارت بر کیفیت اعتبارات را به عهده داشته باشند و اطمینان حاصل

نمایند که اطلاعات مربوطه در اختیار مسئولین رتبه‌بندی داخلی ریسک اعتباری گذارده می‌شود. به علاوه، این افراد موظفند که به صورت مستمر از وضعیت وثایق و ضمانت‌نامه‌های بانک مراقبت نمایند. این مراقبت‌ها به بانک کمک می‌کند تا بتواند تغییرات لازم را در شرایط قرارداد منظور نموده و برای زیان‌های اعتباری ذخایر کافی نگهداری نمایند. هنگام گماردن افراد به این گونه سمت‌ها، مدیریت بانک باید احتمال وجود برخورد منافع را به ویژه برای کارکنانی که براساس شاخص‌هایی چون حجم وام، کیفیت پرتفوی و یا سودآوری کوتاه مدت مورد قضاوت و تشویق قرار می‌گیرند، شناسایی کند.

اصل ۱۰- در مدیریت ریسک اعتباری، بانک‌ها تشویق می‌شوند که یک سیستم رتبه‌بندی

داخلی ریسک را گسترش و مورد استفاده قرار دهند. این سیستم رتبه‌بندی باید با

نوع، اندازه و پیچیدگی‌های فعالیت بانک متناسب باشد.

۵۷- یک ابزار مهم برای مراقبت از کیفیت اعتبارات فردی و همچنین کیفیت کل پرتفوی استفاده از یک

سیستم رتبه‌بندی داخلی ریسک می‌باشد. یک سیستم رتبه‌بندی با ساختار مناسب، ابزار

خوبی برای تفاوت قایل شدن میان درجه ریسک اعتباری اکسپوزرهای گوناگون اعتباری

بانک خواهد بود. به کمک این ابزار، بانک می‌تواند به صورت دقیق‌تری ویژگی‌های کلی

پرتفوی اعتباری، از جمله تمرکزها، اعتبارات مساله‌دار و کفایت ذخایر برای پوشش زیان‌ها را تعیین کند. از سیستم‌های رتبه‌بندی داخلی با ساختار گسترده و پیچیده که اغلب توسط بانک‌های بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌توان برای تعیین نحوه تخصیص سرمایه داخلی، قیمت‌گذاری اعتبارات و سودآوری معاملات و روابط تجاری استفاده کرد.

۵۸- به عنوان نمونه، هدف از طرح یک سیستم رتبه‌بندی داخلی ریسک آن است که با طبقه‌بندی اعتبارات به انواع مختلف، ریسک‌ها را درجه‌بندی نماید. سیستم‌های ساده‌تر بر مبنای چند طبقه طراحی می‌شوند که دامنه طبقه‌بندیها در حد فاصل بین رضایت‌بخش تا نامطلوب قرار دارد، اما در سیستم‌های پیچیده‌تر، به منظور مشخص کردن هرچه بیشتر وجه تمایز بین درجات ریسک اعتباری، درجه‌بندیهای متعددی برای اعتباراتی که مثلاً در طبقه رضایت‌بخش رده‌بندی گردیدند پیش‌بینی شده است. بانک‌ها هنگام گسترش سیستم رتبه‌بندی‌شان باید تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند میزان ریسک وام‌گیرنده (طرف مقابل)، یا ریسک یک معامله خاص یا هر دو را رتبه‌بندی کنند.

۵۹- رتبه‌بندی داخلی ریسک، ابزار مهمی برای مراقبت و کنترل ریسک اعتباری می‌باشد. به منظور سهولت هرچه بیشتر در تشخیص به موقع تغییرات ایجاد شده در وضعیت ریسک، بانک باید نسبت به کاهش واقعی ریسک اعتباری یا احتمال وجود آن حساس باشد. اعتبارات با رتبه پایین باید تحت مراقبت و کنترل بیشتری قرار گیرند، به عنوان مثال بیش از حد متعارف توسط مسئولین اعتباری بازبینی شوند و در فهرست اعتبارات "تحت مراقبت" که به طور منظم توسط مدیران ارشد ملاحظه می‌گردد، ثبت شوند. رتبه‌بندی داخلی ریسک می‌تواند توسط مدیریت اصلی ادارات مختلف بانک مورد استفاده قرار گیرد و به آنان کمک می‌نماید تا بتوانند از وضعیت فعلی پرتفوی اعتباری آگاهی یافته و بتوانند اصلاحات لازم

را در خط مشی اعتباری بانک به عمل آورند. بنابراین ضروری است که براساس چنین رتبه‌بندی‌هایی، گزارشهایی در مورد وضعیت پرتفوی اعتباری به صورت دوره‌ای تهیه و برای هیات مدیره و مدیران ارشد ارسال گردد.

۶۰- رتبه‌ای که در زمان اعطای اعتبار به وام‌گیرندگان یا طرف‌های مقابل تخصیص یافته باید به طور منظم مورد بازنگری قرار گیرد و در صورت هرگونه بهبود یا وخامت وضعیت اعتباری فردی، رتبه جدیدی برای وی منظور گردد. از آنجا که اطمینان از وجود سازگاری در رتبه‌بندی داخلی ریسک و همچنین اطمینان از دقت آن برای تعیین کیفیت اعتبارات فردی، از اهمیت بالایی برخوردار است، لذا مسئولیت تعیین یا تایید این رتبه‌ها باید به عهده بخش بازنگری اعتبارات محول گردد که وظیفه‌ای مستقل از مسئولیت فرآیند تصویب را به عهده دارد. همچنین لازم است که میزان سازگاری و دقت این رتبه به صورت دوره‌ای توسط گروهی مانند گروه مستقل بازنگری اعتباری مورد بررسی قرار گیرد.

اصل ۱۱- بانک‌ها باید سیستم‌های اطلاعات و روش‌هایی برای تجزیه و تحلیل داشته باشند به

نحوی که مدیریت به کمک آن‌ها بتواند ریسک اعتباری موجود در کلیه فعالیت‌های بالا و پایین خط ترازنامه را اندازه‌گیری نماید. سیستم اطلاعات مدیریت باید اطلاعات کافی را در مورد ترکیب پرتفوی اعتباری ارائه نموده و هرگونه ریسک تمرکز را شناسایی نماید.

۶۱- بانک‌ها باید روش‌هایی داشته باشند تا به کمک آن‌ها بتوانند ریسک موجود در اکسپوزهای خود به وام‌گیرندگان یا طرف‌های مقابل فردی را کمی نمایند. همچنین بانک‌ها باید بتوانند ریسک اعتباری را در سطح پرتفوی و محصول تجزیه و تحلیل نموده و هرگونه حساسیت یا تمرکز را شناسایی نمایند. هنگام ارزیابی ریسک اعتباری موارد ذیل باید مدنظر قرار گیرد:

- ماهیت خاص اعتبار (وام، ابزار مشتقه، تسهیلات، غیره) و شرایط قرارداد و

- شرایط مالی (سررسید، نرخ مرجع، غیره).

- وضعیت اکسپوزر تا سررسید با توجه به نوسانات بالقوه بازار.

- وجود وثایق یا تضمین‌ها.

- امکان نکول با توجه به رتبه‌بندی داخلی ریسک.

داده‌های ریسک اعتباری باید به طور متناوب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن با توجه به حدود مربوطه نقد و بررسی شود. بانک‌ها باید براساس اطلاعات دقیقی که صحت و سقم آن به صورت دوره‌ای کنترل می‌شود، از آن دسته فنون ارزیابی استفاده نمایند که متناسب با پیچیدگی‌ها و سطح ریسک آن‌ها می‌باشد.

۶۲- اثربخشی فرآیند ارزیابی ریسک اعتباری یک بانک بستگی قابل ملاحظه‌ای به کیفیت سیستم اطلاعات مدیریت دارد. اطلاعاتی که براساس این سیستم تولید می‌شود برای هیات مدیره و کلیه سطوح مدیریتی این امکان را فراهم می‌کند تا نقش نظارتی مربوط به خود (شامل تعیین کفایت سطح سرمایه بانک) را به خوبی ایفا نمایند. بنابراین کیفیت، جزئیات و به هنگام بودن اطلاعات از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. به ویژه، اطلاعات مربوط به ترکیب و کیفیت پرتفوی بانک بر پایه تلفیقی، به مدیریت این امکان را می‌دهد تا بتواند به سرعت و با دقت، سطح‌های ریسک اعتباری بانک را که در انجام فعالیت‌های متنوعش با آن مواجه می‌گردد، ارزیابی و میزان تحقق بخشیدن عملکرد بانک به راهکار ریسک اعتباری را مشخص نماید.

۶۳- بانک‌ها باید اکسپوزرهای واقعی خود را در برابر حدود تعیین شده، تحت مراقبت قرار دهند. این

نکته مهم است که بانک‌ها سیستم اطلاعات مدیریت داشته باشند تا اطمینان حاصل کنند زمانی که آن اکسپوزرها به حدود مقرر نزدیک می‌شوند مراتب، مورد توجه مدیریت ارشد قرار می‌گیرد. در یک سیستم ارزیابی حد ریسک، تمامی اکسپوزرها باید

گنجانده شوند. سیستم اطلاعات بانک باید بتواند مجموع اکسپوژرهای اعتباری به وام‌گیرندگان منفرد یا طرف‌های مقابل فردی را محاسبه نموده و هرگونه استثناء نسبت به حدود ریسک اعتباری را به صورت مناسب و به موقع گزارش نماید.

۶۴- بانک‌ها باید سیستم‌های اطلاعات مدیریت ایجاد کنند تا مدیریت به کمک آن‌ها بتواند هرگونه ریسک تمرکز را در داخل پرتفوی شناسایی کنند. به منظور حصول اطمینان از متناسب بودن کفایت، میزان و وسعت اطلاعات با پیچیدگی‌های فعالیت بانک، مدیران اصلی بخش تجاری و مدیریت ارشد باید در فواصل زمانی منظم کفایت اطلاعات را بررسی نمایند. بانک‌ها به طور روز افزون نیاز به طراحی سیستم‌های اطلاعات دارند تا به کمک آن‌ها بتوانند تجزیه و تحلیل‌های بیشتری (مانند انجام آزمون بحران) در مورد پرتفوی اعتباری انجام دهند.

اصل ۱۲- بانک‌ها باید سیستمی را برای مراقبت از ترکیب کلی و کیفیت پرتفوی اعتباری خود ایجاد کنند.

۶۵- از دیدگاه سنتی، توجه اصلی بانک‌ها در مدیریت ریسک اعتباری، نظارت بر نحوه اجرای قراردادهای مربوط به اعتبارات فردی است. اگرچه نظارت بر اعتبارات فردی حائز اهمیت است، اما در عین حال بانک‌ها باید سیستمی برای نظارت بر ترکیب و کیفیت پرتفوی اعتباری گوناگون خود داشته باشند. این سیستم باید با ماهیت، اندازه و پیچیدگی‌های پرتفوی بانک سازگار باشد.

۶۶- یکی از علل متداول مشکلات اعتباری در بانک‌ها، وجود تمرکز در پرتفوی اعتباری است. تمرکز ریسک به اشکال مختلفی ظاهر می‌شود و می‌تواند زمانی بروز نماید که تعداد زیادی از اعتبارات دارای مشخصات ریسک مشابه باشند. تمرکزها وقتی اتفاق می‌افتند که پرتفوی اعتباری بانک شامل سطح بالایی از اعتبارات (به صورت مستقیم یا غیر مستقیم) به:

- صرفاً یک طرف مقابل؛
- یک گروه از طرف‌های مقابل مرتبط؛
- یک صنعت یا بخش اقتصادی خاص؛
- یک منطقه جغرافیایی؛
- یک کشور خارجی یا گروهی از کشورهایی که اقتصاد آن‌ها شدیداً به یکدیگر وابسته است؛
- یک نوع خاص از تسهیلات اعتباری؛
- یک نوع خاص وثیقه؛

تمرکزها همچنین زمانی بوجود می‌آیند که اعتبارات، دارای سررسیدهای یکسان باشند. تمرکزها می‌تواند از ارتباطات بسیار پیچیده تا ظریف بین اعتبارات موجود در پرتفوی نشأت گیرند. تمرکزها در ریسک منحصر به فعالیت وامدهی نیست، بلکه کلیه فعالیت‌های بانک را که به لحاظ ماهیتی با ریسک طرف مقابل سر و کار دارد، نیز در بر می‌گیرد. بالا بودن سطح تمرکز در حوزه‌هایی که اعتبارات در آنجا متمرکز گردیده‌اند بانک را در معرض تغییرات نامطلوبی قرار می‌دهد.

۶۷- در بسیاری از موارد به دلیل حوزه فعالیت تجاری بانک، منطقه جغرافیایی یا عدم دسترسی به وام‌گیرندگان یا طرف‌های مقابل با حرفه اقتصادی متنوع، اجتناب از تمرکز یا کاهش آن می‌تواند بی‌نهایت دشوار باشد. به علاوه بانک‌ها ممکن است بخواهند از لحاظ تخصصی در یک صنعت یا بخش اقتصادی خاص سرمایه‌گذاری نمایند. ضمن آن که ممکن است بانک به این نتیجه برسد که می‌تواند مشکلات ناشی از تمرکز ریسک به خصوصی را جبران نماید. بنابراین، بانک‌ها لزوماً نباید از وامدهی مناسب صرفاً به دلیل وجود تمرکز خودداری

۱- به پانوشت ۵ رجوع شود.

کنند. بانکها ممکن است لازم باشد برای کاهش یا تخفیف تمرکزها راههای مختلفی را بکار برند. اینگونه ابزارها می‌تواند شامل ارزش‌گذاری ریسک‌های اضافی، نگهداری سرمایه بیشتر برای جبران ریسک‌های اضافی و به کارگیری وام‌مشارکتی برای کاهش وابستگی به یک بخش خاص اقتصادی یا گروهی از وام‌گیرندگان مرتبط باشد. بانکها باید مراقب باشند که صرفاً به خاطر تنوع‌بخشی به فعالیت‌هایشان وارد معامله با وام‌گیرندگان یا طرف‌های مقابلی نشوند که از آنها و یا از حوزه فعالیت‌شان شناخت کاملی ندارند.

۶۸- بانکها امکانات جدیدی برای مدیریت تمرکز اعتبارات و سایر موضوعات مربوط به پرتفوی در اختیار دارند. این امکانات شامل ساز و کارهایی چون فروش وام، ابزارهای مشتقه، برنامه‌های تبدیل دارائیه‌ها به اوراق بهادار و سایر بازارهای ثانویه وام می‌باشد. هرچند این گونه ساز و کارها که با امور مربوط به تمرکز در پرتفوی سر و کار دارد خودش مجدداً درگیر مساله ریسک می‌شود و لازم است ریسک مربوطه شناسایی شده و مدیریت گردد. زمانی که بانکها مصمم هستند از این ساز و کارها استفاده کنند، لازم است خط‌مشی‌ها و رویه‌ها و همچنین کنترل‌های کافی را در این زمینه اعمال نمایند.

اصل ۱۳- در زمان ارزیابی اعتبارات فردی و کل پرتفوی اعتباری، بانکها باید احتمال

تغییر در شرایط اقتصادی را نیز مدنظر قرار داده و اکسپوزهای ریسک اعتباری

خود را در شرایط بحرانی ارزیابی نمایند.

۶۹- بخش مهمی از مدیریت مناسب ریسک اعتباری با این مباحث سر و کار دارد که به چه

صورت‌هایی امکان دارد اعتبارات فردی در پرتفوی‌های مختلف اعتباری با مشکل مواجه

گردد و چگونه می‌توان با ضابطه‌مند نمودن این اطلاعات، در مورد کفایت سرمایه و ذخایر

تجزیه و تحلیل انجام داد. با بهره‌گیری از تمرین "چنانچه اگر*"، بانکها می‌توانند

* - What if.

کلیه حوزه‌هایی را که در آن‌ها امکان وجود اکسپوژر ریسک اعتباری برای بانک وجود دارد، از قبل شناسایی نمایند. همچنین ارتباط میان گروه‌های مختلف ریسک که ممکن است در زمان ایجاد بحران ظاهر شود، به طور کامل تشخیص دهند. هنگام بروز شرایط نامساعد ممکن است یک وابستگی ذاتی میان ریسک‌های مختلف، بالاخص ریسک اعتباری و بازار وجود داشته باشد. سناریوهای تجزیه و تحلیل و انجام آزمون بحران، روش‌های مفیدی برای شناسایی حوزه‌هایی مساله‌دار می‌باشد.

۷۰- در آزمون بحران باید احتمال وجود حادثه یا هرگونه تغییر آتی در شرایط اقتصادی که می‌تواند اثرات نامطلوبی بر اکسپوژر اعتباری بانک برجای گذارد، مدنظر قرار گرفته و توانایی بانک برای رویارویی با این گونه تغییرات بررسی شود. سه حوزه‌ای که بررسی آن‌ها می‌تواند مفید واقع شود، عبارتند از:

- پس رفت شرایط اقتصادی یا صنعتی؛
- پیشامدهای ریسک بازار؛
- وضعیت نقدینگی؛

در آزمون بحران می‌توان از فروض نسبتاً ساده در مورد یک یا برخی از متغیرهای مالی، ساختاری یا اقتصادی تا مدل‌های مالی بسیار پیچیده استفاده کرد. به عنوان نمونه مدل‌های پیچیده‌تر توسط بانک‌های فعال و بین‌المللی قابل استفاده می‌باشد.

۷۱- هر نوع روشی که برای انجام آزمون بحران مورد استفاده قرار گیرد، نتایج آن بایستی به صورت منظم توسط مدیریت ارشد مورد بررسی واقع شده و در مواردی که نتایج از حدود مقرر شده تجاوز نماید، اقدامات اصلاحی مناسبی اتخاذ گردد. نتایج مذکور باید در فرآیند تعیین و به روز آوری خط مشی‌ها و حدود، مدنظر قرار گیرد.

۷۲- بانک‌ها باید تلاش نمایند تا موقعیت‌های مختلف موقعیت مثلاً رکود اقتصادی، هم در کل اقتصاد و هم در بخش‌های خاص، نکولها و عدم بازپرداخت‌های وام در سطحی بالاتر از حد مورد انتظار، یا ترکیبی از حوادث بازار و اعتباری را که می‌توانند ضررهای قابل ملاحظه یا مشکلات نقدینگی ایجاد کنند، شناسایی نمایند. تجزیه و تحلیل آزمون‌های بحران باید برنامه‌های اقتضایی را درباره اقداماتی که مدیریت با توجه به سناریوهای اصلی می‌تواند انجام دهد، در برگیرد. این برنامه‌ها می‌تواند شامل فنونی از جمله پوشش دادن* برای رویارویی با پیامد یا کاهش اندازه اکسپوژر باشد.

* - Hedging

۷- حصول اطمینان از وجود کنترل‌های کافی بر ریسک اعتباری

اصل ۱۴- بانک‌ها باید سیستم مستقل و مستمری برای ارزیابی فرآیند مدیریت ریسک

اعتباری داشته باشند، به نحوی که نتایج این بازنگری‌ها مستقیماً به هیات مدیره و

مدیران ارشد گزارش گردد.

۷۳- از آنجا که در یک بانک متصدیان مختلفی از اختیار اعطای اعتبار برخوردارند، برای اداره

موثر پرتفوی‌های مختلف، بانک باید سیستم داخلی کارآیی برای بازنگری و گزارش‌دهی

داشته باشد. این سیستم باید اطلاعات کافی را در اختیار هیات مدیره و مدیریت ارشد قرار دهد

تا آن‌ها به کمک این اطلاعات بتوانند نسبت به عملکرد مسئولین حسابداری و وضعیت پرتفوی

اعتباری ارزیابی به عمل آورند.

۷۴- انجام بررسی‌های داخلی اعتبارات توسط افرادی که درگیر کار اعطای اعتبارات نباشند،

می‌تواند ارزیابی مهمی در مورد اعتبارات فردی و کیفیت کلی پرتفوی اعتباری ارائه نماید.

این چنین بررسی‌های اعتباری کمک می‌کند تا فرآیند اجرایی اعطای اعتبار مورد ارزیابی قرار

گرفته، صحت و دقت رتبه‌بندی داخلی ریسک مشخص شده و در مورد این‌ها یا کارمند حسابداری

توانسته به درستی اعتبارات فردی را تحت مراقبت قرار دهد، قضاوت به عمل آید. نتیجه بازنگری

اعتبارات باید به طور مستقیم به هیات مدیره، یک کمیته با مسئولیت حسابرسی یا

مدیریت ارشدی که فاقد اختیارات لازم در زمینه وام‌دهی باشد (مثلاً مدیریت ارشد

مسئول کنترل ریسک)، گزارش شود.

اصل ۱۵- بانک‌ها بایستی اطمینان حاصل کنند که اعطای اعتبار به درستی مدیریت شده و

اکسپوزرهای اعتبارات در سطحی است که با استانداردهای احتیاطی و حدود مجاز

داخلی هم‌خوانی دارد. بانک‌ها باید سیستم کنترل‌های داخلی را پایه‌ریزی و تقویت

نمایند به نحوی که مطمئن شوند هرگونه استثناء نسبت به خط‌مشی‌ها، روش‌ها و

حدود، به موقع به رده مناسب مدیریتی جهت اقدام گزارش می‌شود.

۷۵- هدف از مدیریت ریسک اعتباری آن است که اکسپوزر ریسک اعتباری بانک را در محدوده متغیرهایی که توسط هیات مدیره و مدیریت ارشد تعیین شده است، نگاهدارد. ایجاد و تقویت کنترل‌های داخلی، اجرای حدود و سایر رویه‌ها این اطمینان را ایجاد می‌کند که اکسپوزرهای ریسک اعتباری از سطح قابل قبول آن برای هر بانک، فراتر نمی‌رود. این چنین سیستمی مدیریت بانک را قادر می‌سازد تا پای‌بندی به اهداف تعیین شده در مورد ریسک اعتباری را تحت مراقبت قرار دهد.

۷۶- سیستم تعیین حدود باید برای بانک این اطمینان را ایجاد کند که هرگونه تجاوز از سطوح از پیش تعیین شده، در اسرع وقت مورد توجه مدیریت قرار می‌گیرد. یک سیستم مناسب برای تعیین حدود باید به مدیریت کمک کند تا بتواند اکسپوزرهای ریسک اعتباری را کنترل نموده و باب مباحثی را در مورد فرصت‌ها و ریسک‌ها، و مراقبت از ریسک‌های واقعی بانک در مقابل حد مجاز از پیش تعیین شده ریسک اعتباری می‌گشاید.

۷۷- حسابرسی‌های داخلی فرآیند ریسک اعتباری باید به صورت دوره‌ای مشخص نماید که:

- فعالیت‌های اعتباری مطابق با خط مشی‌ها و رویه‌های اعتباری بانک می‌باشد؛
 - اعتبارات در محدوده دستورالعمل تدوین شده توسط هیات مدیره، به تصویب می‌رسند؛
 - وجود، کیفیت و مبلغ اعتبارات فردی به طور دقیق به مدیریت ارشد گزارش می‌شود.
- همچنین این حسابرسی‌ها باید برای تعیین نقاط ضعف فرآیند اجرایی، خط مشی‌ها و مدیریت ریسک اعتباری و نیز تعیین هرگونه استثناء نسبت به خط مشی‌ها، رویه‌ها و حدود مورد استفاده قرار گیرد.

اصل ۱۶- بانک‌ها باید سیستمی برای انجام اقدامات اصلاحی به موقع در مورد اعتباراتی که

وضعیت آن‌ها در حال بدتر شدن است، مدیریت اعتبارات مسالهدار و سایر

موقعیت‌های بحرانی مشابه داشته باشند.

۷۸- یکی از دلایل ایجاد فرآیند نظام یافته بازنگری اعتبارات، شناسایی اعتبارات ضعیف یا مساله‌دار می‌باشد. هرگونه کاهش در کیفیت اعتبارات باید در همان مراحل اولیه شناسایی شود تا گزینه‌های بیشتری برای بهبود وضعیت اعتبار در دسترس باشد. با بهره‌گیری از رخدادهای خاص، بانک‌ها باید فرآیند مدیریت اصلاحی قوی و منظمی داشته باشند، که امور اجرایی مربوط به آن از طریق سیستم‌های اداره امور اعتباری و شناسایی مشکل، انجام می‌شود.

۷۹- خط مشی‌های ریسک اعتباری یک بانک باید به روشنی مشخص نماید که بانک چگونه باید اعتبارات مساله‌دار خود را مدیریت نماید. بانک‌ها از روش‌ها و ترتیبات مختلفی برای اداره اعتبارات مساله‌دار خود استفاده می‌نمایند. با توجه به اندازه و نوع اعتبار و علت بروز مشکل، مسئولیت تصمیم‌گیری درخصوص این گونه اعتبارات می‌تواند به عهده بخشی که از ابتدا انجام آن را به عهده داشت، یا یک بخش تخصصی حل و فصل مشکل یا ترکیبی از این دو محول گردد.

۸۰- برنامه‌های کارآی رفع مشکل، بخشی اساسی از مدیریت ریسک پرتفوی محسوب می‌شوند. زمانی که یک بانک با مشکلات حائز اهمیتی در زمینه اعتبارات اعطایی مواجه می‌شود، این نکته مهم است که وظیفه رسیدگی به مشکلات اعتباری از حوزه اعطای اعتبار تفکیک گردد. به طور طبیعی منابع اضافی، تخصص و تمرکز هرچه بیشتر بخش متخصص در امور حل و فصل مشکلات، باعث بهبود نتایج حاصل می‌گردد. هم‌چنین یک بخش تخصصی در حل و فصل مشکلات، می‌تواند راهکار موثری برای احیای اعتبار مساله‌دار یا افزایش مبلغی که نهایتاً بازپرداخت و توسط بانک جمع‌آوری می‌گردد، باشد.

۱- به پانویست ۶ رجوع شود.

VI - نقش بازرسان

اصل ۱۷- بازرسان باید بانک‌ها را ملزم کنند که به عنوان بخشی از رویکرد کلی به سوی

مدیریت ریسک، نظام کارآیی برای تشخیص، ارزیابی، مراقبت و کنترل ریسک

اعتباری ایجاد کنند. بازرسان باید ارزیابی مستقلی از راهکارها، خط مشی‌ها،

رویه‌ها و عملکرد بانک در ارتباط با فرآیند اعطای اعتبار داشته باشند. علاوه بر این

به منظور محدود نمودن اکسپوژر بانک به وام‌گیرندگان فردی یا گروهی از

طرف‌های مقابل مرتبط، باید تعیین حدود احتیاطی را مد نظر قرار دهند.

۸۱- هرچند هیات مدیره و مدیرعامل مسئولیت نهایی را در مورد یک سیستم کارآیی مدیریت

ریسک اعتباری به عهده دارند، اما بازرسان به عنوان جزئی از فعالیت‌های بازرسی مستمرشان

در هر بانک، باید سیستمی را برای شناسایی، ارزیابی، مراقبت و کنترل ریسک اعتباری ایجاد

نمایند. این سیستم، شامل ارزیابی کلیه ابزارهای اندازه‌گیری (مانند رتبه‌بندی داخلی ریسک و

مدلهای ریسک اعتباری) است که توسط بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه بازرسان باید

مشخص نمایند که هیات مدیره، نظارت موثری بر فرآیند مدیریت ریسک اعتباری بانک

دارد و مدیریت بانک وضعیت‌های ریسک و تطابق آن با خط مشی‌ها و مناسب بودن آن‌ها

خط مشی‌ها را تحت مراقبت قرار می‌دهد.

۸۲- به منظور ارزیابی کیفیت سیستم‌های مدیریت ریسک اعتباری، بازرسان می‌توانند

رویکردهای مختلفی داشته باشند. یک بخش مهم در این گونه ارزیابی‌ها آن است که

بازرسان مشخص نمایند بانک‌ها رویه‌های صحیحی را در مورد ارزیابی دارائی‌هایشان به کار

می‌گیرند. به صورت خاص‌تر، بازرسان یا حسابرسی که کارشان به طور نسبی مورد

اعتماد بازرسان می‌باشد، کیفیت چند نمونه از اعتبارات فردی را بررسی نمایند. در این

گونه موارد چنانچه تجزیه و تحلیل بازرسان همسو و موافق با تجزیه و تحلیل‌های داخلی خود بانک باشد، در آن صورت می‌توان در مورد استفاده از چنین بررسیها و بازننگری‌های داخلی برای ارزیابی، کیفیت کل پرتفوی اعتباری و کفایت ذخایر و اندوخته‌ها اطمینان بیشتری حاصل نمود.^۱ به علاوه بازرسان یا حسابرسان مستقل جایی که رتبه‌بندی داخلی ریسک یا مدل‌های ریسک اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرند کیفیت فرآیند منطقی بودن رتبه‌بندی داخلی بانک را ارزیابی نمایند. بازرسان، همچنین باید نتایج هرگونه بررسی مستقل داخلی در مورد امور وام‌دهی و عملکرد اجرایی آن را مورد توجه و بررسی قرار دهند. به علاوه در صورت در دسترس بودن بررسیهای انجام شده توسط حسابرسان مستقل، بازرسان باید آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند.

۸۳- بازرسان باید به این موضوع توجه خاص نمایند که مدیریت بانک اعتبارات مساله‌دار را در همان وهله نخست شناسایی و نسبت به رفع آن‌ها تدابیر مناسب اتخاذ^۲ نماید. بازرسان باید روندها را در داخل پرتفوی کلی اعتباری تحت مراقبت قرار داده و هرگونه تنزل کیفی قابل توجه اعتبارات را با مدیریت ارشد بانک مطرح کنند. بازرسان همچنین باید مساله کافی بودن مجموع سرمایه و ذخایر و اندوخته‌های بانک، نسبت به سطح ریسک اعتباری شناسایی شده موجود در فعالیت‌های گوناگون بالا و پایین خط ترازنامه را، مورد ارزیابی قرار دهند.

۸۴- در بررسی‌هایی که بازرسان کشورها برای تعیین کفایت فرآیند مدیریت ریسک اعتباری به عمل می‌آورند، باید کارایی این فرآیندها را در سراسر خطوط تجاری، شرکتهای تابعه

۱- در چارچوب جدید کفایت سرمایه این پیش‌بینی به عمل آمده که به شرط موافقت بازرسان، روش رتبه‌بندی داخلی بانک به عنوان مبنایی برای محاسبه منظم سرمایه مورد استفاده قرار گیرد. رهنمودی به بازرسان با توجه خاص به این اهداف، در گزارش بعدی منتشر خواهد شد.

۲- به پانویشت ۶ رجوع شود.

و مرزهای ملی تعیین نماید. این نکته مهم است که بازرسان، سیستم مدیریت ریسک اعتباری را نه در سطح فعالیت‌های انفرادی یا شخصیت حقوقی بلکه با توجه به طیف وسیع فعالیت‌ها و شرکتهای تابعه موجود در مجموعه سازمان بانکی، مورد ارزیابی قرار دهند.

۸۵- بعد از این که فرآیند مدیریت ریسک اعتباری مورد ارزیابی قرار گرفت، بازرسان باید کلیه نقاط ضعف کشف شده مانند تمرکزهای مازاد بر حد مجاز، طبقه‌بندی اعتبارات مساله‌دار و برآورد ذخیره اضافی برای آن‌ها و تاثیر هرگونه تاخیر دریافت بهره متعلقه بر سودآوری بانک را به اطلاع مدیریت بانک برسانند. در مواردی که بازرسان تشخیص دهند سیستم کلی مدیریت ریسک اعتباری بانک برای وضعیت ریسک اعتباری خاص بانک کافی یا کارا نیست، باید مطمئن شوند که بانک اقدامات مناسبی را برای بهبود و اصلاح به موقع فرآیند مدیریت ریسک اعتباری خود اتخاذ می‌نماید.

۸۶- صرف‌نظر از کیفیت فرآیند مدیریت ریسک اعتباری بانک، بازرسان باید تعیین حدود احتیاطی (مانند حدود تسهیلات کلان) را برای کلیه بانک‌ها مدنظر قرار دهند. تعیین این حدود باعث محدود شدن اکسپوزر بانک به یک وام‌گیرنده یا گروهی از طرف‌های مقابل مرتبط می‌گردد. به علاوه بازرسان ممکن است شرایط خاصی را برای گزارش‌دهی بانک‌ها در مورد یک نوع خاص اعتبار یا تجاوز از حدود تعیین شده، اعمال نمایند. به ویژه در مورد اعطای اعتبار به طرف‌های مقابل "مرتبط" با بانک یا با یکدیگر باید توجه خاصی مبذول گردد.

ضمیمه: علل رایج مشکلات عمده اعتباری

۱- علت اکثر مشکلات عمده اعتباری تلویحاً یا غیر مستقیم، کاستی‌های موجود در مدیریت ریسک

اعتباری می‌باشد. براساس تجربه بازرسان، برخی مشکلات مهم تکرارپذیرند. زیان‌های اعتباری شدید در یک سیستم بانکی، معمولاً نشانگر وجود هم‌زمان مشکلات در چندین عرصه، از جمله تمرکزها، بی‌توجهی و نظارت ناکافی است، این ضمیمه، شامل خلاصه‌ای از برخی از متداول‌ترین مشکلات بانکی در ارتباط با حوزه‌های گسترده تمرکزها، فرآیند اعتباردهی و اکسپوژن‌های اعتباری حساس در برابر نوسانات بازار و نقدینگی است.

۲- تمرکزها، احتمالاً به تنهایی مهم‌ترین علت ایجاد مشکلات مهم اعتباری می‌باشند. تمرکزهای

اعتباری به منزله هر اکسپوژن است که در آن امکان وجود زیان‌های بزرگ نسبت به سرمایه بانک یا کل دارایی‌هایش وجود داشته باشد، در صورت وجود معیارهای کافی، این اکسپوژن‌ها به عنوان سطح کلی ریسک بانک منظور می‌شود. زیان‌های نسبتاً بزرگ، نه تنها اکسپوژن‌های کلان را منعکس می‌کند، بلکه امکان درصد بالا و غیرعادی زیان‌های تحقق نیافته را نیز نشان می‌دهد.

۳- به دشواری، می‌توان تمرکزهای اعتباری را به دو گروه زیر طبقه‌بندی نمود:

- تمرکزهای رایج اعتباری که تمرکز اعتبارات به وام‌گیرندگان یا طرف‌های مقابل منفرد، به گروهی از طرف‌های مقابل مرتبط، و به بخش‌ها یا صنایعی مانند مستغلات تجاری، نفت و گاز را شامل می‌شود.
- تمرکزهای مبتنی بر عوامل مشترک یا مرتبط ریسک، که دلالت بر وجود عوامل ظریف‌تر یا موقعیت‌های ویژه دارد، و اغلب تنها از طریق

تجزیه و تحلیل کشف می‌گردند. اختلالات اقتصادی آسیا و روسیه در اواخر سال ۱۹۹۸ نشان می‌دهد که چگونه ارتباطات نزدیک بین بازارهای نوظهور در شرایط بحرانی و هم‌بستگی شناسایی نشده بین ریسک‌های بازار و اعتباری و هم‌چنین بین این ریسک‌ها و ریسک نقدینگی می‌تواند موجبات زیان‌های گسترده را فراهم آورد.

۴- نمونه‌ی تمرکزهایی که مبنایی برای زیان‌های بالقوه شدید و غیرعادی است، عواملی مانند میزان اتکای به وام، برخورداری از حق اختیار (خرید و فروش)، هم‌بستگی میان عوامل ریسک و تامین‌های مالی سازماندهی شده که ریسک را در حصه اصلی* سرمایه متمرکز می‌کند، دربرمی‌گیرد. به عنوان مثال به هنگام تکانه‌های قیمتی یا اقتصادی، یک وام‌گیرنده با نسبت بدهی بالا احتمالاً زیان‌های بزرگ‌تری را در مقایسه با وام‌گیرنده‌ای که نسبت بدهی پایینی را داراست و سرمایه‌اش توان جذب بخش عمده‌ای از زیان را دارد، تجربه خواهد نمود. تضعیف شدید نرخ ارز در اواخر ۱۹۹۷ در آسیا، نشان داد که هم‌بستگی میان تضعیف نرخ ارز با افت شرایط مالی طرف‌های مقابل ساکن در کشوری که پول آن تضعیف شده، در معاملات ابزار مشتقه ارزی، زیان‌های قابل توجهی را نسبت به مبالغ اسمی آن ابزارها ایجاد کرد.

ریسک موجود در مجموعه‌ای از دارایی‌های همگن که به منظور عملیات Securitization تشکیل شده‌اند** می‌تواند در بخش‌های فرعی سرمایه*** و مطالبات شرکت‌های خریدار وام‌ها**** که در شرایط نامطلوب اقتصادی از زیان‌های قابل توجهی رنج می‌برند، متمرکز گردد.

* - Certain tranches

** - Pool

*** - Subordinated Tranches

**** - Special Purpose Vehicles

۵- طبیعت برگشت‌پذیر و مسائل مربوط به تمرکز اعتباری به ویژه تمرکزهای معمول این مساله را مطرح می‌کند که چرا بانک‌ها اجازه می‌دهند تمرکزها گسترش یابند. اولاً برای گسترش راهکار تجاری، بیشتر بانک‌ها ناچارند بین دو گزینه تخصص یافتن در تعداد محدودی از حوزه‌ها، با هدف پیشرو شدن در بازار و متنوع نمودن جریان‌های درآمدیشان، به ویژه زمانی که در بخش‌های ناپایدار بازار فعالیت می‌کنند تعادل برقرار کنند. رقابت شدید میان بانک‌ها و سایر موسساتی که همانند بانک‌ها فعالیت‌های سنتی بانکی انجام می‌دهند، مانند تامین منابع مورد نیاز شرکتهایی که از نظر رتبه اعتباری در محدوده مناسب برای سرمایه‌گذاری* قرار می‌گیرند، این انتخابها را دشوارتر ساخته است. تمرکزها با بیشترین تکرار، زمانی ظاهر می‌شوند که بانک، صنایع رو به رشد و پر رونق را شناسایی کرده و فرضیات بیش از حد خوش بینان‌های نسبت به دورنمای آینده آن صنعت، به ویژه در مورد افزایش ارزش دارایی‌ها و امکان کسب کارمزدها و سود خالص بیش از حد متوسط به عمل می‌آورد. زمانی که توجه اصلی بانک‌ها به رشد دارایی‌ها یا سهم بازار باشد، به نظر می‌رسد که اکثر بانک‌ها آماده‌اند مخاطرات را نادیده بگیرند.

۶- بازرسان بانک‌ها باید مقررات خاصی را برای محدود کردن تمرکزها به یک وام‌گیرنده یا مجموعه‌ای از وام‌گیرندگان مرتبط داشته باشند، در واقع بازرسان باید انتظار داشته باشند که بانک‌ها حدود بسیار پایین تری را برای اکسپوزر یک متعهد منفرد تعیین نمایند. اکثر مدیران ریسک اعتباری بانک‌ها تمرکزهای موجود در

* - Investment Grade.

صنعت را نیز تحت نظارت دارند. بسیاری از بانک‌ها در جستجوی روش‌هایی هستند تا بتوانند تمرکزهایی را که بر پایه عوامل مشترک ریسک یا همبستگی‌های بین آن عوامل هستند، مشخص نمایند. اگرچه ممکن است برای بانک‌های کوچک دشوار باشد که بتوانند حدود تعیین شده مربوط به تمرکز را رعایت نمایند، اما سازمان‌های بانکی بزرگ باید متوجه باشند که به دلیل سرمایه پایه بالای آن‌ها، اکسپوزر آن‌ها به یک وام‌گیرنده در عین قرار داشتن در چارچوبهای مقرراتی می‌تواند از سطح احتیاطی فراتر رود.

۷- بسیاری از مشکلات اعتباری نشانگر کاستی‌های موجود در فرآیند اعتباردهی و نظارت است. در حالی که قصور در بیمه اعتبارات و مدیریت اکسپوزرهای اعتباری مربوط به بازار می‌تواند منبع مهم زیان‌های بانکی باشد، اما به کمک یک فرآیند قوی اعتباردهی در داخل بانک می‌توان از بروز بسیاری از مشکلات اعتباری پیشگیری نمود یا آن‌ها را کاهش داد.

۸- برای اکثر بانک‌ها، انجام ارزیابی کامل اعتباری (اقدامات مدبرانه برای پیشگیری از مخاطرات) یک چالش اساسی است. فشارهای رقابتی و گسترش فن‌آوری‌های وام‌های سندیکایی، برای وام‌دهی سنتی بانک‌های تجاری محدودیت زمانی را به وجود می‌آورد که موجب تداخل با اقدامات احتیاطی برای پیشگیری از مخاطرات می‌گردد. جهانی شدن بازارهای اعتباری ضرورت در اختیار داشتن اطلاعات مالی متکی بر استانداردهای صحیح حسابداری و اطلاعات به روز در مورد اقتصاد کلان و جریان وجوه نقد را افزایش می‌دهد. زمانی که این اطلاعات در دسترس یا قابل اتکاء نباشد بانک‌ها ممکن است از تجزیه و تحلیل‌های مالی و اقتصادی صرف‌نظر نموده و تصمیمات خود را براساس شاخص‌های ساده‌ی بررسی کیفیت اعتبار اتخاذ نمایند، به ویژه اگر آن‌ها احساس کنند

لازم است در یک بازار خارجی برخوردار از رشد فزاینده، برای خود موقعیتی کسب نمایند و سرانجام آن که، بانک‌ها ممکن است برای ارزیابی طرف‌های مقابل نسبتاً جدید خود مانند بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و موسسات با اهرم مالی بالا به انواع جدید اطلاعات مانند ارزیابی‌های ریسک و همچنین ارسال اطلاعات مالی با تواتر بیشتر نیاز داشته باشند.

۹- مساله مهم دیگر نبود آزمون و روشی برای معتبرسازی فن‌آوری‌های مربوط به وام‌دهی‌های

جدید است. پذیرش روش‌های آزمون نشده وام‌دهی در حوزه‌های جدید یا بدیع بازار به ویژه روش‌هایی که اصول صحیح اقدامات احتیاطی برای پیشگیری از مخاطرات یا معیارهای سنتی میزان اتکاء به وام را نادیده می‌گیرند، می‌توانند در بسیاری از بانک‌ها منجر به بروز مشکلات جدی گردند. یک رویه صحیح، مستلزم به کارگیری اصول اساسی در مورد نمونه‌های فعالیت اعتباری است. کارآیی هر روش جدید با عدم اطمینان مواجه است. این عدم اطمینان باید تا اندازه‌ای در شاخص‌های محافظه‌کارانه‌تر و ناپدید کننده کیفیت اعتباری خود را نشان دهد. یک نمونه از این مشکلات گسترش استفاده از مدل‌های امتیازدهی اعتباری برای وام‌های مصرفی در ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورها است. زیان‌های سرمایه‌ای ناشی از بعضی از وام‌دهی‌ها که در زمینه محصولات بازاری با تولید انبوه که توسط بعضی از بانک‌ها تجربه گردید نقاط ضعف این امتیازدهی را نشان می‌دهد.

۱۰- برخی از مشکلات اعتباری ناشی از تصمیم‌گیری‌های شخصی مدیریت ارشد بانک است. از

جمله این موارد، اعطای اعتبار به شرکتهایی است که مدیران، مالکیت آن‌ها را به عهده داشته یا به آن شرکت‌ها وابسته‌اند، اعطای اعتبار به دوستان، به افرادی که در امور مالی از فراست برخوردارند، اعطای اعتبار به منظور نیل به دستور کار خاص، مثل پی‌جویی ارتباطات ویژه با افراد صاحب‌نام می‌باشد.

۱۱- به واسطه نبود یک فرآیند کارآی بازنگری اعتبارات، بسیاری از بانک‌ها در سالهای ۱۹۹۰ مشکلاتی را در رابطه با کیفیت دارایی‌هایشان تجربه کردند (و عملاً بسیاری از بانک‌ها چنین فرآیندی در مورد بازنگری اعتبارات نداشتند). در بانک‌های بزرگتر، معمولاً وظیفه تجدید نظر اعتباری در بخشی متشکل از تحلیل‌گرانی، مستقل از مسئولان اعطای اعتبار انجام می‌شود. آن‌ها ارزیابی مستقلی در مورد کیفیت یک اعتبار یا یک رابطه اعتباری براساس مستندات هم‌چون صورت وضعیت‌های مالی، تجزیه و تحلیل‌های اعتباری تهیه شده توسط مسئول حسابداری و تعیین قیمت وثایق، به عمل می‌آورند. در بانک‌های کوچکتر، این وظیفه ممکن است محدودتر بوده و توسط حسابرسان داخلی یا مستقل انجام شود. هدف از بازنگری اعتبارات، انجام کنترل‌ها و برقراری توازن است، تا اطمینان حاصل شود که فرآیند اعتباردهی در تطابق با خط‌مشی‌های بانک بوده و ارزیابی مستقلی نسبت به کیفیت دارایی‌ها، بدون تأثیرپذیری از رابطه با وام‌گیرندگان به عمل می‌آید. بازنگری کارآی اعتباری نهایتاً به شناسایی اعتبارات ضعیف و مهم‌تر از آن پیشگیری از اعطای اعتبارات ضعیف کمک می‌کند، زیرا زمانی که مسئولین اعتباری بدانند کار آن‌ها مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد، با دقت‌نظر بیشتری انجام وظیفه می‌نمایند.

۱۲- یک نارسایی مشترک و بسیار مهم در میان بانک‌هایی که در اوایل سالهای ۱۹۹۰ دچار مشکل شدند، ناشی از کوتاهی آن‌ها در مراقبت و کنترل وضعیت وام‌گیرندگان یا ارزش وثایق بود. بسیاری از بانک‌ها، برای ارزیابی کیفیت وام‌های موجود در دفاتر خود و هم‌چنین تعیین کفایت وثایق، در مورد دریافت اطلاعات مالی دوره‌ای از وام‌گیرندگان یا ارزشیابی مستغلات مرتکب سهل‌انگاری شدند، در نتیجه، نتوانستند نشانه‌های اولیه

تنزل در کیفیت دارایی‌ها را دریابند و لذا این فرصت را که بتوانند به کمک وام‌گیرندگان از تضعیف مالی آن‌ها جلوگیری به عمل آورده و موقعیت بانک را حفظ نمایند، از دست دادند. این فقدان نظارت موجب گردید که مدیریت ارشد بانک فرآیند پرهزینه‌ای را برای تعیین ابعاد و شدت وام‌های مساله‌دار طی نموده و زیان‌های بزرگی را متوجه بانک کند.

۱۳- در برخی موارد، عدم انجام اقدامات احتیاطی لازم برای پیشگیری از مخاطرات و تجزیه و تحلیل مالی و نظارت بر وام‌گیرنده، به ایجاد وقفه در کنترل‌های لازم برای شناسایی سوء استفاده‌ها یا تقلب‌های اعتباری منجر می‌گردد. بانک‌هایی که زیان‌های ناشی از سوءاستفاده‌ها را تجربه کردند در مورد بازرسی وثیقه مرتکب سهل‌انگاری شدند. مثلاً کالاهای موجود در انبار یا نمایشگاه که به عنوان وثیقه ارائه گردیدند، مراحل قانونی را طی نکرده و یا به عنوان دارایی‌های مالی، قیمت‌گذاری نشدند و یا این که وام‌گیرندگان ملزم به ارائه صورت وضعیت مالی حسابرسی شده، نگردیده و تجزیه و تحلیل دقیقی نسبت به صورت‌های مالی آن‌ها انجام نشد. یک بخش کارآی بازنگری اعتبارات و قیمت‌گذاری مستقل و ثابوق، معیارهای حمایتی مهمی هستند، به ویژه از آن جهت که اطمینان حاصل شود که مسئولین اعتباری و سایر کارکنان داخلی با وام‌گیرندگان تیبانی نمی‌کنند.

۱۴- علاوه بر وجود کاستی‌ها در رابطه با اقدامات احتیاطی لازم برای پیشگیری از مخاطرات، تجزیه و تحلیل اعتباری، مبین وجود مشکلات تکرار پذیر در زمینه تصمیم‌گیری‌های مربوط به وام‌دهی است. برخی از بانک‌ها اعتبارات را تجزیه و تحلیل می‌کنند و تصمیم‌گیری‌های اعتباری را براساس شرایط اعتباری مناسب بدون قیمت‌گذاری انجام می‌دهند. اما از روش قیمت‌گذاری حساس نسبت به ریسک استفاده نمی‌کنند. بانک‌هایی که روش صحیحی برای قیمت‌گذاری و نظم ترتیبی

برای پیگیری مداوم آن روش نداشته باشند، به این گرایش پیدا می‌کنند که بخش نامتناسبی از ریسک‌هایی را که کمتر از مقدار واقعی خود ارزیابی شده‌اند، بپذیرند. این بانک‌ها در مقایسه با بانک‌هایی که از مهارت‌های عالی قیمت‌گذاری برخوردارند، با زیان‌های بالاتری مواجه می‌گردند.

۱۵- بسیاری از بانک‌ها به دلیل عدم توجه به رعایت احتیاط در رابطه با ترتیبات اعتباری به وام‌گیرندگان با اهرم مالی بالا متضرر گردیدند. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، اعتبارات اعطایی به وام‌گیرندگان با اهرم مالی بالا احتمال دارد به دلیل نکول وام‌گیرنده موجبات زیان‌های قابل ملاحظه‌ای را فراهم آورد. به طور مشابه، ساختارهای متکی به وام مانند خرید سهم برخی* یا راهکارهای مربوط به تجدید ساختار بدهی، یا ساختارهایی که شامل تعهد اختیار معامله مشتری باشد، معمولاً ریسک‌ها را در پرتفوی اعتباری بانک متمرکز می‌کند، بنابراین، این ساختارها فقط باید در مورد مشتریانی که توان مالی بالا دارند، به کار گرفته شوند.

۱۶- بسیاری از فعالیت‌های اعتباری بانک‌ها، شامل وام‌هایی است که در برابر دارایی‌های غیرمالی اعطا می‌شود. در چنین وام‌دهی‌هایی، بسیاری از بانک‌ها، در انجام ارزیابی کافی در مورد وجود همبستگی بین وضعیت مالی وام‌گیرنده با تغییرات قیمت و نقدینگی بازار دارایی‌های رهنی ناموفق بوده‌اند. به نظر می‌رسد در اکثر فعالیت‌های تجاری بانک‌ها که مبتنی بر دارایی‌ها (مانند تامین مالی تجاری، اجاره به شرط تملیک و عاملیت) و وام‌دهی مستغلات تجاری انجام می‌شود، همبستگی بالایی بین وضعیت اعتباری مشتری با ارزش دارایی‌هایش وجود دارد، چون درآمد وام‌گیرنده که منبع اصلی بازپرداخت است معمولاً با دارایی‌های مورد بحث مرتبط می‌باشد، بنابراین وخامت جریان درآمدی وام‌گیرنده به دلیل مشکلات اقتصادی صنعتی یا

* - Bugout.

منطقه‌ای، ممکن است با کاهش ارزش دارایی‌های ارائه شده به عنوان وثیقه همراه گردد. بعضی از دارایی‌ها (مانند وام‌های خانه، وام خودرو) که وام‌های کالاهای مصرفی به اتکای آن‌ها اعطا گردیده نشانگر یک ارتباط، هرچند ضعیف میان سلامت مالی مشتری با بازار مربوط به دارایی‌های او می‌باشد.

۱۷- یک مشکل دیگر در رابطه با اعتباردهی این است که بانک‌ها در زمان وام‌دهی، در حد ضرورت، اثرات چرخه‌های تجاری را در نظر نمی‌گیرند. از آنجا که در بخش صعودی چرخه تجاری (شرایط پر رونق)، دورنمای درآمدی و ارزش دارایی‌ها افزایش می‌یابند ممکن است تجزیه و تحلیل‌های اعتباری فرضیات بیش از حد خوش‌بینانه را ملاک قرار دهد. صنایعی مانند خرده‌فروشی، مستغلات تجاری و شرکت‌های امانی سرمایه‌گذاری، مستغلات، کالاهای مصرفی، اغلب اثرات شدید چرخه تجاری را تجربه می‌کنند. گاهی اوقات این چرخه تجاری در مقایسه با چرخه یک محصول در یک بخش نسبتاً جدید و روبه رشد مانند مراقبت‌های پزشکی و ارتباطات، کمتر با شرایط کلی تجاری ارتباط می‌یابد. انجام کارآی‌آزمون بحران که تأثیرات دوره‌ای فعالیت یا محصول در آن لحاظ می‌گردد، رویکردی است که به موجب آن تصمیم‌گیری‌های اعتباری با شناخت کامل‌تر از وام‌گیرنده انجام می‌شود.

۱۸- به صورت کلی‌تر، بسیاری از مسائل مربوط به تعهدات نشان دهنده عدم توجه بانک به سناریوهای منفی است. وام‌گیرندگان علاوه بر چرخه تجاری، ممکن است در برابر تغییرات عوامل ریسک، هم‌چون قیمت‌های کالای خاص، تغییرات دورنمای شرایط رقابتی و نبود اطمینان نسبت به موفقیت راهکار تجاری یا جهت‌گیری مدیریتی، آسیب‌پذیر باشند. بسیاری از وام‌دهندگان، "آزمون بحران" یا تجزیه و تحلیل اعتباری را با به کارگیری فرضیات نامطلوب انجام نمی‌دهند و در نتیجه نمی‌توانند نقاط ضعف را شناسایی نمایند.

اکسپوژهای اعتباری حساس به تغییرات بازار نقدینگی

۱۹- اکسپوژهایی که در برابر تغییرات بازار یا نقدینگی حساسند، در فرآیند اعتباردهی چالش‌هایی را فرا روی بانک‌ها قرار می‌دهند. اکسپوژهای حساس در برابر تغییرات بازار، نرخ ارز و قراردادهای ابزارهای مشتقه را شامل می‌شوند. اکسپوژهای حساس در برابر تغییرات نقدینگی، قراردادهای وثایق* مربوط به پوشش زیان‌های بالقوه نامحدود، مطالبات دوره‌ای وثیقه، خطوط (اعتباری) با پشتوانه نقدینگی، تعهدات و برخی از اعتبارات اسنادی و بعضی از ذخیره‌گیربهای انجام نشده در عملیات تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار را در بر می‌گیرد. طبیعت غیر حتمی اکسپوژها در این گونه ابزارها ایجاب می‌کند که بانک توانایی اندازه‌گیری توزیع احتمال اندازه واقعی اکسپوژ در آینده و تاثیر آن بر میزان اتکای به وام و نقدینگی هر دو طرف، وام‌گیرنده و بانک را داشته باشد.

۲۰- موضوع دیگری که تمامی موسسات مالی اساساً با آن مواجهند، ضرورت گسترش مقیاس‌های معنی‌دار برای اکسپوژ است به نحوی که بتوانند به سادگی با وام‌ها و سایر اکسپوژهای اعتباری مقایسه شوند. در مطالعات انجام شده توسط کمیته بال در خصوص اکسپوژها به موسسات با اهرم مالی بالا، این مساله از برخی زوایا توضیح داده شده است^۱.

۲۱- در مورد ابزارهایی که مستعد تغییر در برابر نوسانات بازار باشند، لازم است که تمایل مشتری و توانایی او برای پرداخت با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اکثر ابزارهای حساس به تغییرات بازار مانند ابزارهای مشتقه، به عنوان بازارهای نسبتاً

* - Margin or Collateral Contract.

۱- به مقاله‌های زیر رجوع شود.

Bank's Interactions with Highly Leveraged Institutions and Sound Practices for Bank's Interactions with Highly Leveraged Institutions (January ۱۹۹۹).

پیچیده تلقی می‌شوند لازم است هم از طرف بانک و هم از طرف مشتری جدیت بیشتری به کار رود تا این اطمینان حاصل شود که مشتری کاملاً مفاد قرارداد (ابزار مشتقه) را متوجه شده است. مرتبط بودن این ابزارها با تغییر قیمت دارایی‌ها در بازارهای مالی بدین معنی است که معمولاً به احتمال کم اما غیر صفر ارزش این گونه ابزارها می‌تواند به سرعت و در خلاف جهت منافع مشتری تغییر نماید. انجام کارهای آزمون بحران می‌تواند احتمال بروز زیان‌های بزرگ را نشان دهد، رویه صحیح آن است که این موارد برای مشتری افشا شود. به دلیل بی‌توجهی بانک‌ها به این مسأله که اطمینان حاصل کنند مشتری از ابتدا به طور کامل این معاملات را متوجه شده و نیز نوسانات نامطلوب قیمت، بانک‌ها مبالغ قابل توجهی به مشتریان بدهکار گردیدند.

۲۲- لازم است در مورد آسیب‌پذیری مشتری نسبت به بحران‌های نقدینگی در ترتیبات اعتباری یا ابزارهایی که نسبت به تغییرات نقدینگی حساس هستند تجزیه و تحلیل‌های دقیق‌تری انجام پذیرد، زیرا زمانی که مشتریان در معرض چنین بحران‌هایی قرار گیرند، اکسپوژن‌های اعتبارات بلندمدت بانک می‌تواند به سرعت افزایش یابد. این گونه فشارهای فزاینده برای نگهداری وجوه نقد کافی، به منظور اجرای مفاد توافق‌نامه‌های وثیقه، برای حمایت از فعالیت‌های تجاری بین بانکی و ترتیبات تسویه ممکن است مستقیماً ناپایداری قیمت بازار را منعکس کند. در سایر موارد، فشارهای نقدینگی در یک سیستم مالی می‌تواند نشانگر نگرانی‌های اعتباری باشد و هرگونه اعمال محدودیت برای انجام فعالیت تجاری اعتباری، وام‌گیرندگان را به سوی استفاده از پشتوانه نقد خطوط اعتباری یا تعهدات سوق می‌دهد. فشارهای نقدینگی هم‌چنین می‌تواند نتیجه کافی نبودن مدیریت ریسک نقدینگی توسط مشتری یا تنزل رتبه اعتباری وی باشد. ارزیابی وضعیت ریسک نقدینگی وام‌گیرنده یا طرف مقابل، بخش مهم دیگری از این تجزیه و تحلیل اعتباری است.

۲۳- از نظر مخاطره‌پذیری، ابزارهای حساس به تغییرات بازار و نقدینگی هماهنگ با توزیع تغییرات قیمت و شرایط بازار، تغییر می‌کند. برای مثال در مورد ابزارهای حساس به تغییرات بازار، افزایش ناپایداری قیمت به طور موثری موجب افزایش اکسپوژهای بالقوه می‌گردد. در نتیجه بانک‌ها باید آزمون بحران فرضیات ناپایدار را انجام دهند.

۲۴- از آنجا که اکسپوژهای حساس در برابر تغییرات بازار یا نقدینگی، متکی بر احتمالات است، لذا می‌توانند با وضعیت اعتباری مشتری همبستگی داشته باشند این دیدگاه دست‌آورد نابسامانی‌های بازار در آسیا و روسیه و سایر نقاط طی سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ است. به این مفهوم که، همان عواملی که در تغییر ارزش ابزاری که به نوسانات بازار یا نقدینگی حساس است، موثر می‌باشد می‌تواند بر سلامت مالی وام‌گیرنده و دورنمای آتی او نیز تأثیرگذار باشد. از این رو، لازم است بانک‌ها رابطه میان اکسپوژهای حساس به تغییرات بازار یا نقدینگی را با ریسک نکول وام‌گیرنده مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. انجام آزمون بحران تکانه‌های عوامل بازار یا نقدینگی یک جزء مهم از این تجزیه و تحلیل است.

ماخذ:

**BIS. Basel Committee on Banking Supervision, Basel September
۲۰۰۰, Principles for the Management of Credit Risk.**

استفاده از مطالب این مجموعه با ذکر ماخذ بلامانع است.